

نشانی برای دریافت و انتشار

ایمیل های شما

Info.sabz1388@googlemail.com

تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰



۲۱ مهر ۱۳۸۸



اولین روزنامه ایمیلی

شیراز در وضع بحرانی

درخواست ابراهیم نبوی از شیرازی ها

صفحه: ۵

ندا در نور، ۱۳ آبان سبز در راه



محمد خاتمی :

مردم از نیمه راه بر نمی گردند

دیدار کروبی و موسوی با حضور خبرنگاران:

می خواهند همه سکوت کنند

فاطمه حقیقت جو:

زمینه سازی برای صدور احکام سنگین علیه متهمان

حوادث انتخابات

مبارزه با اعدام، با مبارزه علیه اندیشه اعدام آغاز

می شود

راه های مقابله

با پارازیت های

ماهواره

و

فیلتر شکن ها



جایزه شجاعت مدنی برای
کمپین یک میلیون امضاء

آهنگ جدید شجریان برای
جنبش سبز

درخواست ابطال اسکناس ها
با شعار های سبز

صفحه: ۴ و ۸

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز یقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:

شهلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه

هزار و سیصد و هشتاد و هشت

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

جنبش سبز

پشت پرده سناریو کودتاچیان

۳ اعدامی، پیش از

انتخابات دستگیر شده اند

صفحه: ۶

هنر سبز

سروده هایی از:

هوشنگ ابتهاج

بیژن باران

حامد رحمتی

پرتو نوری علا

مهران کرداریان

صفحات: ۱۴-۱۳

راههای سبز

کودتا چیان علیه یاهو

محمد اصفهانی برای احمدی

نژاد نخواند

انگلستان باتک ملت

وکشتیرانی جمهوری اسلامی

را تحریم کرد

صفحات: ۱۲-۲



در چهار رچوب فعالیت قانونی

فرمانده نا جا : 13 آبان با جنبش سبز مشکلی نداریم

اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در پاسخ به این سوال که برخورد نیروی انتظامی با حضور احتمالی مردم معترض در راه پیمایی 13 آبان چگونه خواهد بود، گفت: "تصور این است که در روز 13 آبان اتفاقی رخ نمی دهد و ما نباید خیلی نگران باشیم. روز قدس هم گفتم اتفاقی نخواهد افتاد که اتفاقی هم نیفتاد. احمدی مقدم تاکید کرد: «13 آبان روز مبارزه با استکبار است و ما کارهای همه ساله مان را انجام می دهیم و نباید خیلی نگران باشیم. در رابطه با روز قدس هم گفتم اتفاقی نخواهد افتاد و اتفاقی هم نیفتاد، در موضوع ورزشگاه آزادی نیز به همین شکل. ما با جنبش سبز یا هر جنبش دیگری اگر در چارچوب قانون باشد مشکلی نداریم و حتی اگر غیرقانونی باشد تا مرز آشوب تحمل می کنیم اما اگر به آشوب و اغتشاش کشیده شود نیروی انتظامی برخورد می کند. اما تصور این است که روز 13 آبان حادثه خاصی نخواهیم داشت.»

محمد اصفهانی برای احمدی نژاد خواند

پارلمان‌نویز: در حالی که بر اساس برنامه ریزی قبلی قرار بود در مراسم اختتامیه جشنواره رسانه های دیجیتال که فردا برگزار می شود، یک خواننده مشهور موسیقی پاپ ایران به اجرای برنامه بپردازد، این برنامه لغو شد. به گزارش سلام، م - الف؛ خواننده مشهور موسیقی پاپ پس از آنکه مطلع شده است قرار است احتمالاً محمود احمدی نژاد در این مراسم حضور پیدا کند، به برگزارکنندگان اعلام کرده است که حتی اگر احمدی نژاد در میانه مراسم اجرای موسیقی هم به سالن وارد شود، او اجرای برنامه را متوقف و سالن را ترک خواهد کرد. وی تاکید کرده است در صورتی که حضور احمدی نژاد در مراسم اختتامیه قطعی شود، تحت هیچ شرایطی حاضر به اجرای برنامه نخواهد شد. گفتنی است در حال حاضر برگزارکنندگان به شدت در تکاپو هستند که با خوانندگانی چون افتخاری به توافق برسند و یا اینکه برنامه حضور احمدی نژاد در این مراسم را به تأخیر بیندازند و یا تغییر دهند.

جایزه شجاعت مدنی برای کمپین یک میلیون امضاء



جایزه شجاعت مدنی به کمپین یک میلیون امضاء اهدا شد. این جایزه که بعد از اتحاد دو آلمان همراه در سوم اکتبر به کسانی اهدا می شود که برای پیشرفت امور مدنی شجاعت به خرج داده است.

رضوان مقدم از فعالین جامعه مدنی و کمپین یک میلیون امضاء این جایزه را دریافت کرد.

درخواست ابطال اسکناس ها با شعار های سبز



مرتضی طلایی از اعضای شورای شهر تهران خواستار از دور خارج شدن اسکناس هایی شده که روی آنها شعارهای به گفته وی "ضد انقلابی" نوشته شده است. این اشاره ای به شعارهایی نظیر "مرگ بر دیکتاتور"، "V" (علامت پیروزی) و "ایران را سبز می کنیم" است که هواداران جنبش "سبز" - بر اسکناس ها می نویسند. به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، سرهنگ طلایی که رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران است، گفت: "بانک مرکزی جمهوری اسلامی در اطلاعیه ای اعلام نماد که عموم شهروندان از پذیرفتن اسکناس هایی که به روی آنها شعارها و پیام های خاص ضد انقلاب درج شده خودداری نمایند و این اسکناس ها ابطال شده و از چرخه پولی کشور حذف شوند." او این اقدام و همچنین شعارنویسی روی دیوارها را "منافقانه" توصیف کرد و گفت که این "حرکتی بی هدف" است. سرهنگ طلایی که از 1380 تا 1385 فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ بود همچنین گفت: "عناصر ضدانقلاب با انجام چنین حرکتی سعی در مانور تبلیغاتی و قدرت نمایی دارند که به فضل خدای تعالی و هوشیاری مردم و مسئولین کما فی السابق ناکام خواهند ماند."

۱۳ آبان سبز: ۲۲ روز مانده



برخیز ایرانی.... برخیز تا بار دیگر نماد سبز وطن پرستی را بر فراز آسمان تاریک این مرز و بوم برافرازیم. آنها به انتقام خون سیاهشان تشنه ی خون سرخ فرزندانمان شده و آنها را به نیستی و نابودی می کشند. ۱۳ آبان ماه نزدیک است. حماسه ای دیگری در راه است. برخیز تا صدایی بلندتر از بلندای دماوند سر دهیم. برخیزید تا نشان دهیم که نسل ما وارثان حقیقی این خاکند. ۱۳ آبان ماه منتظرت هستیم.

استقبال اعتراضی سبزه های شیراز از رئیس دولت کودتا

سبزه های شیراز برای استقبال از رییس دولت کودتا آماده می شوند در آستانه سفر احمدی نژاد به شیراز، گروه های مختلفی از مردم این شهر برای رساندن صدای اعتراضشان به رئیس دولت کودتا آماده می شوند. احمدی نژاد در این سفر، کتابخانه و مرکز اسناد شیراز را افتتاح می کند و سپس بعد از نماز ظهر در مقبره حافظ حضور خواهد یافت. به گزارش موج سبز آزادی، گروه های مختلفی از مردم قرار است در همین زمان راهپیمایی اعتراضی در مسیرهای خیابان ملاصدرا، چهارراه سینما سعدی و چهارراه پارامونت برگزار کنند. همچنین در روزهای اخیر دانشگاه علوم پزشکی و دانشکده مهندسی شیراز دستخوش ناآرامی های بسیاری بوده است.



کودتا چنان علیه یاهو

در حالی که مقام های یاهو اخبار فروش اطلاعات کاربران خود را به سازمان های امنیتی ایران تکذیب کرده اند سایت های خبری اصولگرایان، همچنان بر همکاری یاهو با مقامات وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصرار دارند. به نظر می رسد سایت های اصولگرا و حامی دولت محمود احمدی نژاد از جمله ایرنا، رجانیوز، فردا، جهان نیوز و... در پی بی اعتمادی کاربران ایرانی سرویس های رایگان اینترنتی از جمله یاهو و جی میل هستند. سایت خبری ZDNet خبر همکاری یاهو با مقام های جمهوری اسلامی را به نقل از یک وبلاگ دانشجویی فارسی زبان منتشر کرده است و مدعی است شرکت یاهو برای فرار از فیلترینگ سایت خود در ایران 200 هزار پست الکترونیکی ایرانی را در اختیار این مسئولان قرار داده است. در این حال سایت خبری تحلیلی عصر ایران، وبلاگ منتشر کننده خبر همکاری یاهو با مقام های جمهوری اسلامی را متعلق به انجمن پادشاهی دانست که در قالب جنبش همبستگی دانشجویان ایران فعالیت می کند و پرچم شیر و خورشید ستون سمت راست این پایگاه را نشانه وابستگی آن به رژیم پهلوی خواند و عنوان کرد رهبر قبلی این گروه به دلیل همکاری یاهو با مقامات ایرانی لو رفته است.

همچنین ایرنا به نقل از روزنامه ایتالیایی کوریره دل اسرا افزود: فارغ از درستی یا نادرستی این خبر، باید یادآور شد که یاهو و گوگل در گذشته نیز چنین اقدامی انجام داده و هر دو سایت با کشور چین در موردی مشابه به توافق رسیده بودند. این روزنامه نوشت: سایت یاهو چند سال پیش در جریان زندانی شدن "ونگ ایکسیانگ" و "شی تائو" دو تن از مخالفان دولت چین نقش داشته و کار خود را با ذکر این جمله که "ما طبق محدودیت های قانون محلی اقدام می کنیم" توجیه کرد.

این درحالی است که یاهو طرح چنین ادعایی را خالی از دلیل و فروش اطلاعات کاربران به سازمانهای امنیتی را تکذیب کرد. به نوشته روزنامه نوول اوپزرواتور فرانسه یاهو در واکنش به این اخبار هرگونه ارتباط اطلاعاتی با ایران را رد و برخط مشی خود پیرامون اعتقاد به حریم خصوصی افراد تاکید نموده و اخبار منتشر شده در مورد دادن اسامی ۲۰۰ هزار وبلاگ نویس به دولت ایران را بی دلیل و در جهت سایه افکنی به روی فعالیت های این شرکت خواند.

لازم به توضیح است اینترنت و دستیابی به سرویس های رایگان چون جی میل و یاهو و امکانات این سرویس ها از جمله یاهو مسنجر پس از وقایع انتخابات و اعتراض گسترده مردمی به نتایج انتخابات چند بار با محدودیت های مختلف و فیلتر روبرو شده اند و کاربران آنها بارها متهم به براندازی نرم از سوی مسئولان جمهوری اسلامی شده اند.

منبع : با مردم



جنبش ادامه دارد ، مردم از نیمه راه بر نمی گردند

محمد خاتمی : مردم از نیمه راه بر نمی گردند

حرکت اصیل، مدنی و میلیونی مردم معترض حرکتی بود به سوی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی. بزرگترین اهانت این بود که این حرکت را حرکت اغتشاشی به حساب آوردند.

به مردم اهانت کردند و برای مقابله با آن رفتارهایی کردند که آن رفتارها به هیچوجه با معیارهای اسلامی، قانون اساسی، شرع و عرف و وجدان بشر سازگار نبود و زیانهای بزرگی به بار آورد.

تلفات مادی و جانی زیادی دادیم، به حیثیتها لطمه خورد، انسانهای بزرگی دستگیر شدند و تحت فشار قرار گرفتند و انسانهایی مورد همههمچانیه قرار گرفتند، اما زور نمیتواند در متن جامعه و مردم حاکمیت یابد و هیچگاه جا نخواهد افتاد، با زور و با روشهای پلیسی و نظامی میشود برای مدتی روش و شیوه و استراتژی را پیش برد ولی این روشها و استراتژیها نمیتوانند دوام پیدا کنند.

دیدار کروی و موسوی با حضور خبرنگاران:

می خواهند همه سکوت کنند

میرحسین موسوی با مهدی کروی در منزل وی دیدار و گفتگو کرد.

در ابتدای این دیدار، که خبرنگاران نیز حضور داشتند شیخ مهدی کروی گفت:

"نظام می توانست از فرصت انتخابات اخیر به نحو خوبی برای اقتدار خود در جهان استفاده کند. رفتارهای پس از انتخابات دور از شان نظامی بود که امام راحل آن را پایه گذاری کرده بود. امثال علیرضا بهشتی فرزند شهید بهشتی و نیز مرتضی الویری و ابراهیم امینی همچون دیگر افرادی که پس از انتخابات بازداشت شدند، فرزندان انقلاب و نظام اند که برای استقرار آن جانفشانی ها کرده اند.

رفتاری که با نیروهای انقلاب و دانشجویان می شود عجیب و غریب است. در واقعه ۱۶ آذر سال ۳۲ زمانی که نیروهای شاه به دانشگاه حمله بردند همه این رفتار را یک عمل قبیحه دانستند و پس از این همه سال هنوز کسی نیست که از این رفتار دفاع کند.

کروی در پاسخ به صحبت های اخیر محسنی اژه ای دادستان کل کشور که ایران را در وضعیت جنگی اعلام کرده بود گفت: "این سخنان برای ایجاد رعب و ترساندن از دادگاه انقلاب است.

چرا باید این گونه وانمود شود که فضای کشور جنگی است و همه باید سکوت کنند و دم برنزنند؟

برخی فرمانده سپاه از اصلاح طلبان انتقاد می کنند که چرا برای تلویزیون ها و سایت های بیگانه خوراک فراهم می کنند. من از ایشان می پرسم که چه کسی برای آنها خوراک فراهم می کند؟ ما یا شما؟ چه کسی سخنان تند می گوید؟ ما یا شما؟ چه کسی برخوردهای تند را سرلوحه کارهای خود قرار داده است؟ ما یا شما؟

کروی درباره راهپیمایی روز قدس گفت:

اولا من باید تاکید کنم که نگاه ما به رژیم صهیونیستی تغییر نکرده است. فلسطین همچنان مساله ماست و روز قدس نیز روز حمایت از مردم مظلوم فلسطینی و تبری از رژیم صهیونیستی است اما من می خواهم اشاره کنم به جمعیتی که به این مراسم آمدند و باید قدران آنها بود. عموم کسانی که به دعوت ما به این مراسم آمدند شعاری هایی که دادند در رابطه با ایران و کشورشان بود و نگران سرنوشت خود بودند. نمی توان به مردم گفت که نگران کشور خود نباشید. اگر چه مساله اصلی ما در این روز فلسطین است اما من می پرسم که آقایان توضیح دهند که چه اتفاقی در کشور افتاده است که روز فلسطین ناگهان مردم دو دسته می شوند و عده ای نگرانی های خود را در شعارهایشان بازتاب می دهند؟

برخی درباره انتخابات به گونه ای سخن می گویند که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است. نه خانی رفته نه خانی آمده است. می گویند تقبل نشده است. آخر چرا این حرفها را به مردم می زنید؟ یعنی مردم نمی دانند که چه برسرشان آمده است؟ پس این اعتراضات چیست؟ می گویند که فلانی ۳۰۰ هزار رأی آورده است و در ۱۰ هزار صندوق حتی یک رأی هم نداشته و در محل هایی که صندوق ها مستقر بود حتی یک طرفدار هم نداشته ام؟ این درحالی است که برخی از دوستان که پای صندوق بودند می گویند در فلان صندوق شما ۱۰۰ تا رأی داشتید اما برای شما یک رأی منظور شد. آخر یک حرفی بزنید که کسی به شما نخندد. اگر راست می گویند در برابر دهها ساعت انکار تقبل در رسانه ملی و فشار بر زندانیان بیگناه برای اعتراف، به ما وقت بدهید تا در تلویزیون دلایل و مدارک خود را ارایه دهیم.

برخی از آقایان خواسته یا ناخواسته فوج فوج برای بیگانگان خوراک تهیه می کنند. بیا بید برای رهایی از وضعیت موجود حرکتی صحیحی انجام دهید. آمارهای واقعی را اعلام کنید. صدا و سیما که به یک رسانه جهت دار و تخریب گر تبدیل شده و روز به روز از خود مشروعیت زدایی می کند، راه درست را در پیش بگیرد و اعتماد مردمی را که از دست داده مجددا به دست آورد.

سپس میرحسین موسوی با اشاره به وقایع روی داده پس از انتخابات به اتفاقی که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ رخ داد اشاره کرد و یادآور شد: "کسانی که آن حماسه را آفرینند، امروز در گوشه های زندان هستند و این طنز تلخی است که این روزها متأسفانه رخ داده است و

انگلستان بانک ملت و کشتیرانی جمهوری اسلامی را تحریم کرد

وزارت خزانهداری بریتانیا شرکت های انگلیسی را از انجام هر گونه معامله با شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و بانک ملت منع کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه سارا مک کارتی فری وزیر خزانهداری بریتانیا روز دوشنبه با انتشار بیانیه ای از شرکت های انگلیسی خواست، از انجام هر گونه معامله ای با بانک ملت و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی خودداری کنند در بیانیه وزارت خزانهداری بریتانیا آمده است، بانک ملت به یک سازمان مرتبط با برنامه اتمی ایران سرویس داده و کشتیرانی جمهوری اسلامی نیز کالاهای مورد نیاز برنامه موشکی و هسته ای ایران را حمل کرده است.

پیشتر دیوید میلیبند، وزیر خارجه بریتانیا نیز با هشدار به جمهوری اسلامی در مورد پیامدهای تن دادن به خواسته جامعه جهانی گفته بود، چنانچه تهران به طور کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری نکند، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها دارای موضعی «بسیار روشن» درباره وضع «تحریم» یا دیگر «اقدامات» علیه ایران هستند.

ندا در نور

SEYHOON GALLERY

9007 Melrose Ave. West Hollywood, CA 90069, 310-858-5984
www.seyhongallery.com, www.randokht.com/Seyhoun/Seyhoun.html

&

KHAKI GALLERY

460 Harrison Ave. Boston, MA 02118, 617-423-0105
www.khakigallery.net, khaki@khakigallery.net

NAHID KHAKI & SOROUSH PAYANDEH

October 11-17, 2009, Reception: October 11, 4-8



SOROUSH PAYANDEH
"Az Kavir Az Khak"

NAHID KHAKI
"NEDA: In the Light"

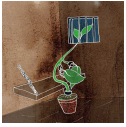


ندا در نور می رقصد. از اعماق تاریکی در می آید و به روشنایی می رسد. نمایشگاه بسیار دور از جانی برپا می شود که ندا در خون خود غلتید: در لوس انجلس. ندای تصاویر نمایشگاه هم ندای سلطان نیست. اما نمایشگاه به خاطره او تقدیم شده است. نمایشگاه دو بخش دارد "ندا در نور" کارهای ناهید خاکی و "از کویر از خاک" کارهای سروش پاینده، دو هنرمند تبعیدی ایرانی که در آمریکا زندگی می کنند.



نامه سرگشاده مجمع روحانیون مبارز به رییس قوه قضاییه

خون های به ناحق ریخته شده باشد



مجمع روحانیون مبارز در نامه سرگشاده ای به صادق لاریجانی از خون هایی به ناحق بر زمین ریخته شده، زنان و مردانی ناعادلانه به بند کشیده شدند و هتک حرمت هایی صورت گرفت سخن رانده است. بخشی از نامه باین شرح است:

نزدیک چهار ماه از انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پیش و پس از آن می گذرد. در این دوره زمانی، ملت رشید ایران شاهد ناگوارترین صحنه ها و تلخ ترین حوادث سی ساله اخیر بود. حوادثی که دلسوزان انقلاب و علاقمندان ایران هرگز باور نمی کردند که روزی شاهد چنین صحنه ها و حوادثی باشند. خون هایی به ناحق بر زمین ریخته شده، زنان و مردانی ناعادلانه به بند کشیده شدند و هتک حرمت هایی صورت گرفت که قلم یارای نگارش آن ندارد.

عملکردهای ناصواب و سوء تدبیرهای آمیخته با خشونت، حیثیت و اقتدار جمهوری اسلامی را نشانه رفت و فاصله ای عمیق میان دولت - ملت ایجاد نمود و با کمال تأسف تلاش دلسوزان واقع نگر نیز به جایی نرسید و هر صدایی جز حمایت از وضع موجود و همگام شدن با افراترپونی که طمع شیرین قدرت، مانع واقع نگری آنان شده، با واژه هایی از قبیل خیانت، وابستگی به اجانب، براندازی نرم، شرکت در انقلاب مخملی و ... روبه رو شده و ابر غلیظ خشونت و کینه ورزی افق آینده ایران را سیاه و تاریک کرده است.

اگرچه در چنین فضایی، امید به تأثیرگذاری اقدامات خیر خواهانه کاهش پیدا کرده است اما از آنجا که حضرت عالی در آغاز راه مسؤولیت پر مخاطره اداره قوه قضائیه قرار دارید به اقتضای آموزه های قرآنی و مستند به اصل هشتم قانون اساسی و با انگیزه خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر لازم دیدیم نکاتی را متذکر شویم شاید التفات به نکات مورد اشاره، راهی برای برون رفت از شرایط ناگوار کنونی ارائه کند.

حضرت آقای لاریجانی

نگذارید در بر همان پاشنه ای که تاکنون چرخیده است بچرخد. میثاق ملی ایرانیان یعنی قانون اساسی نقشه راه شماست. اصولی که دیلاً آورده می شود مبین حقوق شهروندی آحاد جامعه و تعیین کننده حدود و مسؤولیت قوه قضائیه و مسؤولان محترم این قوه است.

اسلام مظلوم و جمهوری نشأت یافته از اراده ملت و مبتنی بر دین مبین اسلام، نظام حقوقی خود را با این معیارها عرضه کرده اند. معیارهایی که حاکی از التزام به رعایت حقوق شهروندی و توجه عمیق به حقوق متقابل ملت-ملت و ملت-دولت و دوری جستن از هر گونه حق کشی، ظلم، بی عدالتی و اجحاف است. تفسیرهای ناصواب، برداشت های نا صحیح و کارکردهای بیگانه با روح قانون اساسی که متأسفانه کم و بیش در میان متولیان و مسؤولان امر رایج شده است، علاوه بر تضییع حقوق ملت باعث می شود چهره نظام اسلامی مخدوش شده و رویگردانی از این نظام سر عت گیرد. طبیعتاً آنانکه بر قانون اساسی پوستین وارونه پوشانده و حقوق اساسی ملت را نادیده گرفته اند باید پاسخگو باشند.

۲- در ارتباط با حوادث قبل و بعد از انتخابات جمع کثیری از چهره های خدم، با سابقه روشن سیاسی و اجتماعی که بعضاً از مدیران با تجربه و رشد یافته در دامن نظام جمهوری اسلامی هستند توسط عوامل انتظامی و امنیتی بازداشت شده و در شرایط سخت و دشواری به سر می برند. ترکیبی از پیشنهاد مبارزه با رژیم ستمشاهی و پیشکسوتان سیاست و مدیریت و پیش قراولان اطلاع رسانی و زندگان عرصه قلم و مطبوعات کشور مورد سوء ظن قرار گرفته و در بازداشت بسر می برند. سرمایه های ارزشمندی که محصول مدیریت سی ساله انقلاب و دارای اندوخته هایی گران سنگ از شرکت در دفاع مقدس و پاسداری از مرزهای عقیدتی و جغرافیایی جمهوری اسلامی و ایران اسلامی می باشند. نفس دستگیری و بازداشت ایشان یکی از ضایعات خسارت بار امروز جامعه ما است و فاجعه بارتر اینکه در بازداشت و زندانی نمودن آنان صراحتاً موازین قانون اساسی و دیگر مقررات موضوعه کشور مورد بی اعتنایی قرار گرفته است.

جناب آقای لاریجانی

نه بازداشت شدگان امکان و آگویی آنچه بر آنان رفته است پیدا کرده اند و نه ما امکانی برای حقیقت یابی کامل در اختیار داریم که بتوانیم تمامی وجوه تخلف را با شما در میان بگذاریم. اما آنچه در دید عموم قرار گرفته و می تواند تا حدودی ما را به کنه و اقیعیت ها رهنمون شود این است که ضابطان دستگاه قضایی نه تنها در جنایتگاه کهریزک که در سایر موارد نیز مرتکب تخلفاتی شده اند. شکستن در منازل بعضی از متهمان، ورود نیمه شب به منزل بعضی دیگر، انعکاس اتهامات

من نمی دانم که چرا این مسایل و این اتفاقات در حال روی دادن است و چرا باید با نیروهای مومن انقلاب چنین کنند. این رفتارها باعث ایجاد زخم هایی بر روح و روان مردم می شود که به آسانی قابل درمان نیست. چه نتیجه ای از دادگاه هایی که با همه جنجال برپا کردند عایشان شد؟ آیا به دنبال برگزاری دادگاه تفتیش عقاید هستید؟ آیا متوجه اثرات منفی آن در جامعه هستید؟ در این چهار ساله اخیر رفتارهای نادرستی صورت گرفته است که همه نیروهای انقلاب یا به حاشیه رفته اند یا رغبتی برای کار ندارند. شما نگاه کنید و ببینید که چه تعداد وزیر و وکیل و نیروی انقلابی حذف شده اند. حاشیه انقلاب ما الان بزرگتر و مهمتر از متن آن شده است. چند رییس جمهور داریم. چندین وزیر داریم. نمایندگان، مدیران و نخبگان طراز اولی داریم که همه در حاشیه قرار گرفته اند. چرا باید این استعدادها همه حذف شوند؟ وی با اشاره به هشدارهای یک سال اخیر خود در خصوص سواستفاده برخی نهادهای قدرت از داریایی های مالی کشور گفت: "بهاهم در واگذاری سهام مخابرات و منابع تأمین ۸۰۰۰ میلیارد هزینه خرید آن از سوی سپاه پاسداران تاسف بار است. تربیون مقدس نماز جمعه اختصاص پیدا کرده است به تربیون یک جناح و تندروها برای حذف نخبگان و کسانی که نظر و رای دیگری دارند از هر وسیله استفاده می کنند. عده ای نباید تصور کنند که حوادث اول انقلاب و سال های پس از آن از ذهن و ضمیر مردم گریخته است. اخیراً یکی از آقایان که در دولت بنده نیز دارای سمتی بود و بعد به علت اختلافات از دولت استعفا داد (ظاهراً اشاره به احمد توکلی وزیر کار مستعفی دولت موسوی است که اخیراً با انتشار نامه ای سرگشاده از کربوی و موسوی خواسته از مردم جدا شوند! مضمون نامه وی چنین است.) و رفت مطالبی را بیان کرده است که انسان حیرت می کند. سه، چهارماه است که علیه بنده و آقای کربوی و افراد دیگری که از ما حمایت می کردند، به صورت یک طرفه در صدا و سیما و رسانه های خود دورغ می پراکنند و ما را تخریب می کنند. آیا ما حق نداریم در صدا و سیما از خود دفاع کنیم؟ بنده با هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه جلسه داشتم. یعنی آقای شاهرودی با بنده تماس گرفت و گفت آیا می توانید به دفتر من بیایید؟ رفتم. آقای هاشمی رفسنجانی نیز آنجا بود که من اصلاً از حضور ایشان خبر نداشتم. درباره اتفاقات پس از انتخابات سخن گفتیم و آقای شاهرودی از بنده پرسید می خواهید چکار کنید؟ گفتم حرف ما که مشخص است. در این فضای تخریب به ما تربیون بدهید تا ما نیز از رسانه ملی با مردم به صورت زنده سخن بگوییم. قبل از آن نیز آقای لاریجانی از من پرسیده بود که حضری به تلویزیون بروی؟ من نیز گفته بودم بله. در دیدار با آقای شاهرودی، ایشان پیشنهاد برگزاری یک تجمع قانونی را دادند. پذیرفتم. همان لحظه ایشان با شورای عالی امنیت ملی تماس گرفت. صحبتی کردند. آنها نیز پذیرفتند. بعد به من گفتند که درخواستی بنویسید. ما درخواستی را به امضای بنده تهیه و ارسال کردیم. چند روز بعد مطلبی از شورای عالی عده ای نباید تصور کنند که حوادث اول انقلاب و سال های پس از آن از ذهن و ضمیر مردم گریخته است. اخیراً یکی از آقایان که در دولت بنده نیز دارای سمتی بود و بعد به علت اختلافات از دولت استعفا داد (ظاهراً اشاره به احمد توکلی وزیر کار مستعفی دولت موسوی است که اخیراً با انتشار نامه ای سرگشاده از کربوی و موسوی خواسته از مردم جدا شوند! مضمون نامه وی چنین است.) و رفت مطالبی را بیان کرده است که انسان حیرت می کند. سه، چهارماه است که علیه بنده و آقای کربوی و افراد دیگری که از ما حمایت می کردند، به صورت یک طرفه در صدا و سیما و رسانه های خود دورغ می پراکنند و ما را تخریب می کنند. آیا ما حق نداریم در صدا و سیما از خود دفاع کنیم؟

بنده با هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه جلسه داشتم. یعنی آقای شاهرودی با بنده تماس گرفت و گفت آیا می توانید به دفتر من بیایید؟ رفتم. آقای هاشمی رفسنجانی نیز آنجا بود که من اصلاً از حضور ایشان خبر نداشتم. درباره اتفاقات پس از انتخابات سخن گفتیم و آقای شاهرودی از بنده پرسید می خواهید چکار کنید؟ گفتم حرف ما که مشخص است. در این فضای تخریب به ما تربیون بدهید تا ما نیز از رسانه ملی با مردم به صورت زنده سخن بگوییم. قبل از آن نیز آقای لاریجانی از من پرسیده بود که حضری به تلویزیون بروی؟ من نیز گفته بودم بله. در دیدار با آقای شاهرودی، ایشان پیشنهاد برگزاری یک تجمع قانونی را دادند. پذیرفتم. همان لحظه ایشان با شورای عالی امنیت ملی تماس گرفت. صحبتی کردند. آنها نیز پذیرفتند. بعد به من گفتند که درخواستی بنویسید. ما درخواستی را به امضای بنده تهیه و ارسال کردیم. چند روز بعد مطلبی از شورای عالی امنیت ملی برای ما ارسال کردند که طبق فلان ماده با برگزاری تجمع مخالفت کرده بودند. یک مدیرکلی نیز آن را امضا کرده بود.

مدام اطلاعات غلط به مردم می دهند و فکر می کنند که مردم باور می کنند. همین تعداد کشته های پس از انتخابات چندبار عوض شد؟ بعد می گویند تقلب در انتخابات دروغ است. برخی بسپح شدند تا وانمود کنند که تقلبی صورت نگرفته است. خصوصاً در سیما این امر بسیار تبلیغ شد. خوب اگر شما از عمل خود مطمئن هستید چرا نگران حضور ما در سیما هستید؟ چرا از حضور کارشناسان ما در سیما خود داری می کنید؟ اگر صادقانه سخن می گوئید میزگردی را با حضور کارشناسانی از ما و خودتان برگزار کنید تا دو طرف سخن خود را بگویند. الان وضع به گونه ای شده است که هیچ کس نمی تواند از دولت انتقاد کند. هرکس حرفی بزند ولو از خودشان باشد با دشمن مرتبطش می کنند و ضد امام می خوانندش و برایش پرونده سازی می نمایند.

من می پرسم شما (احمد جنتی و شورای نگهبان) که در انتخابات مجلس ششم ۷۰۰ صندوق را ابطال کردید تا یک نفر (حداد عادل) را وارد مجلس کنید چرا چند صد صندوق را باز نمی کنید تا در یک برنامه زنده تلویزیونی مردم ببینند که چند تعرفه بدون سریال وجود دارد؟ نمی توان آگاهی مردم را نادیده گرفت و به دانشجویان گفت دم برزنند. دانشجویان فرزندان این مردم هستند و نیاز به پاسخ دارند.



خاندان دستغیب

خاندان دستغیب از خاندان‌های معتبر شیراز است که در پنج سده اخیر محبوبیت فراوان داشته. این خاندان از دوره صفویه علما و حکما و شعرا و قضات و رجال سیاسی فراوانی به شهر شیراز تقدیم کرده. در زمان صفویه، علمای این خاندان، مانند میرزا صادق و پدرش، قاضی القضاات شیراز بودند. میرزا صادق پسرعموی میرزا نظام دستغیب است. میرزا نظام از شعرای شیراز بود که در جوانی، سی سالگی، در گذشت (1039 ق.). و در حافظیه مدفون شد. دیوانش بالغ بر سه هزار بیت است. هم‌زمان، میرزا جعفر دستغیب، متولی امامزاده میرمحمد (س)، برادر امام رضا (ع)، بود. میرزا طاهر نصرآبادی اصفهانی می‌نویسد:

میزان محبوبیت خاندان دستغیب را از آراء آنان در انتخابات فارس و شیراز می‌توان دریافت. در انتخابات دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری (24 آذر 1385) ترتیب آراء چنین بود: سید علی‌اصغر دستغیب 1181783 رأی، سید علی‌محمد دستغیب 883918 رأی، احمد بهشتی 583486 رأی، محمد صادق (محمی‌الدین) حائری شیرازی 478887 رأی، اسدالله ایمانی 453222 رأی. کل آراء استان فارس یک میلیون و 928 هزار و 856 رأی گزارش شده بود. [1] در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی (24 اسفند 1386) دو تن از اعضای خاندان دستغیب به مجلس راه یافتند: دکتر سید احمدرضا دستغیب پسر آیت‌الله سید علی‌اصغر دستغیب (نماینده اول شیراز) و مهندس سید احمدرضا دستغیب.

سید علی‌محمد دستغیب، از نوادگان میرزا هدایت‌الله دستغیب مجتهد شیرازی، عالم نامدار فارس در دوره قاجاریه، و خواهرزاده آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب)، است. او در سال 1349 به دستور آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، در فضایی به شدت امنیتی که هیچ یک از روحانیون حاضر در مجلس جرئت قرائت یا حتی تأیید اعلامیه حمایت از مرجعیت امام خمینی را نداشتند، این اعلامیه را در مجلس ختم آیت‌الله حکیم در مسجد نو شیراز (1349) قرائت نمود و از آن پس دورانی طولانی در زندان و تبعید به سر برد.

آیت‌الله سید علی‌محمد دستغیب در سه دهه پس از انقلاب بیش از یک‌هزار طلبه برجسته تربیت نمود و هم اکنون 650 الی 700 طلبه در کلاس‌های حوزه علمیه وی حضور دارند. مسجد قبا محل حضور و پرورش نیروهای انقلابی کثیری بوده است. بیش از هفتصد تن از فعالین مسجد قبا در دوران جنگ با تجاوز حکومت صدام به شهادت رسیدند که بسیاری‌شان از فرماندهان و سرداران فارس در جنگ و حدود هفتاد تن روحانی بودند.

شیراز یکی از مراکز اصلی سبزا

ابراهیم نبوی

دستبندهای سبز را ببندید، شال‌ها را بردارید، روسری‌های سبز را آماده کنید، اگر می‌ت رسید یک تکه پارچه سبز توی جیب تان بگذارید که به محض اینکه دیدید اوضاع رو به راه است، حال طرف را اخذ کنید، شیراز یکی از مراکز اصلی تولید سبزه است و اصولاً از هر ده نفر اصلاح طلب مهم سه تاشان شیرازی هستند، یا حداقل یک باری از شیراز رد شدند، و از همه اینها گذشته حافظ خودش رئیس بخش شعر جنبش سبز است و از هر نظر که حساب کنی بقول فخری خوروش در "سوته دلان" که می‌گفت: "حافظ همشهری مه، دروغ نمی‌گه"



اثبات نشده در رسانه‌های عمومی، نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌های منازل بعضی از متهمان، ورود نیمه شب به منزل بعضی دیگر، انعکاس اتهامات اثبات نشده در رسانه‌های عمومی، نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌های انفرادی که بی‌تردید یکی از مصداق‌های شکنجه و آزار متهمان است و ... نمونه‌هایی از این تخلفات به شمار می‌آید. مع الأسف استمرار بازداشت در بازداشتگاه‌های انفرادی و تدوام بلا تکلیفی و نامشخص بودن حدود و ثغور اتهام که همگی بر خلاف نص صریح قوانین موضوعه کشور است دامنۀ تخلف از قوانین را به دستگاه قضایی جمهوری اسلامی تسری داده و مسؤولیت مستقیم حضرت عالی را دو چندان کرده است.

۳- علاوه بر نوع دستگیری و نقض قوانین در مورد افراد بازداشت شده، برخی از مطبوعات و نشریات وابسته به جریان حاکم، حیثیت بازداشت شدگان را مورد تعرض قرار داده و یا از این هم فراتر رفته و گستاخانه و بی‌پروا چهره‌های ماندگار و مفاخری همچون آیت‌الله سید محمد خونی‌مؤمن امام(ره) و دادستان کل کشور و امیرالحاج منصوب از طرف آن حضرت و حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی فرزند فاضل امام(ره)، عضو مؤسس و رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز را هدف قرار داده و روزی نیست که نسبتی ناروا، افترا بی‌باز و بن دروغ و اتهامی واهی متوجه این دو عزیز سلاله پاک پیامبر نکنند. هر چند که این دو تنها نیستند و با کمال تأسف چهره‌های ارزشمند دیگر انقلاب حتی بیت رفیع حضرت امام خمینی(ره) نیز آماج قلم‌های هتاک قرار می‌گیرند که قطعاً از وقوع چنین تخلفاتی بی‌اطلاع نیستند.

شگفت این است که صاحبان این قلم‌های هتاک و نشریات لجام‌گسیخته از چنان امنیت، آرامش و اطمینانی در برابر آنچه می‌نگارند برخوردارند که روئین‌تنی آنان طعنه بر اسفندیار روئین‌تن می‌زند. عدم برخورد مسؤولان اجرای عدالت با این رسانه‌ها به این شائبه دامن زده است که گویا دستگاه قضایی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد مانع این قلم‌های هتاک شود. هیچ محکمه‌ای به این همه هرزه‌گویی و اهانت رسیدگی نمی‌کند و یا در صورت رسیدگی نتیجه‌ای در بر نداشته است.



شیراز در وضعیت بحرانی عبداله شهبازی

شیراز در وضع بحرانی است. در پی مواضع آیت‌الله سید علی‌محمد دستغیب در اجلاس اخیر مجلس خبرگان رهبری، و پیش و پس از آن، در هفته گذشته تهاجمی شدید علیه وی در شیراز آغاز شده. این تهاجم با سخنان حجت‌الاسلام ایمانی، امام جمعه جدید شیراز، و تهیه طوماری با نام «نخبگان فارس»، که امضای گروهی از ائمه جمعه و مدیران و کارشناسان دولتی در آن درج شده، و سرانجام در چهارشنبه 15 مهر با صدور اطلاعیه شیخ محی‌الدین حائری شیرازی، امام جمعه سابق شیراز که اکنون در قم ساکن است، و سخنان محمداقبر ولدان به اوج رسید. ولدان طلبه‌ای جوان است که در سال گذشته رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد شد. ولدان گفت: «شاید صانعی و دستغیب دچار اختلال روحی و روانی شده‌اند»، «باید صانعی و دستغیب را احضار و از آنان امتحان علمی گرفت»، «بعضی با ناچیز علم‌هایی که دارند هیاهو به راه انداخته‌اند»، «باید این ننگ را از چهره شیعه پاک کرد و با صانعی و دستغیب برخورد کرد». روزنامه سبحان، به مدیرمسئولی محمدعلی حیاتی نماینده لامرد در مجلس شورای اسلامی، این جملات را با حروف درشت در صفحه اول درج کرد. مضمون پیام حائری، که هم‌زمان با انتشار طومار «نخبگان فارس» صادر شد، دعوت به برخورد با آیت‌الله دستغیب است. حائری نوشته:

«می‌گویند چرا نخبگان فارس چنین بیانی‌های نوشتند. نخبگان فارس کارت خود را نشان دادند و اگر نشان نمی‌دادند مؤاخذه می‌شدند. نشان دادند تا طرف مقابل از توهم خارج شود. آن‌ها که نشان ندادند به طرف مقابل دشمنی کرده‌اند و باید پاسخگو باشند».

در مقابل، تعدادی از هواداران آیت‌الله دستغیب، علی‌رغم بیانیه دفتر ایشان مبنی بر عدم تجمع، دیشب، پنجشنبه 16 مهر، در مسجد قبا (آتش‌های سابق) در نزدیکی حرم حضرت شاهچراغ (س)، برادر بزرگ امام رضا (ع)، اجتماع کردند. گروهی نیز در مسجد نو، محل فعلی برگزاری نماز جمعه، جمع شدند تا در زمان سخنرانی آیت‌الله دستغیب به اجتماع فوق حمله کنند. آیت‌الله دستغیب، برای جلوگیری از درگیری، که می‌توانست فرجامی خونین داشته باشد، در تجمع هواداران خود حضور نیافت. هم اکنون شهر در التهاب است.



پشت پرده سناریو کودتاجیان

۳ اعدامی، پیش از انتخابات دستگیر شده اند

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اعلام کرد که هر 3 نفری که به اتهام شرکت

در تظاهرات بعد از کودتای ۲۲ خرداد به اعدام محکوم شده اند، پیش از انتخابات دستگیر شده اند و هیچ ارتباطی به این وقایع ندارند.

مشروح گزارش خبرگزاری هرانا به این شرح است: بعد از بروز ناآرامی های پس از اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران که با اعلام پیروزی غیرمنتظره محمود احمدی نژاد که بسیاری آن را تقلب خواندند، آغاز شد، تعداد زیادی از شهروندان معترض ایرانی طی اعتراضات گوناگون بازداشت شدند.

بسیاری از این عده به عنوان «شرکت کننده» و بسیاری دیگر به عنوان «سازمان دهنده» بازداشت شدند، علیرغم اینکه آماري از تعداد دقیق بازداشت شدگان در دست نیست اما منابع دولتی دست کم از بازداشت پنج هزار شهروند در ایران خبر می دهند.

حکومت ایران همچون همیشه، دولت های غربی و گروه های سیاسی و بعضا مسلح مخالف خود را به دست داشتن در ایجاد اعتراضات مسالمت آمیز و گسترده متهم کرد.

در این رابطه، دادگاه هایی با نقایص حقوقی بسیار، برای رسیدگی به جرایم متهمان وقایع پس از انتخابات در ایران برگزار شد که در آن متهمانی به اتهام عضویت در سازمان های معاند نظام و نقش آفرینی در خشونت های پس از انتخابات در ایران مورد محاکمه قرار گرفتند.

از متهمان سازمانی و خشونت ساز مورد اشاره سه تن در دادگاه دوم پشت تریبون قرار گرفتند و ضمن قبول اتهامات خود مطالبی بر علیه خود نیز ایراد کردند.

در روزهای اخیر دستگاه قضایی اعلام کرد که برای سه تن از متهمان اخیر حکم اعدام صادر کرده است [1]. اسامی اعلام شده محکومین به اعدام عبارت است از: آرش رحمان پور، ناصر عبدالحسینی و محمدرضا علی زمانی، اما در تداوم همین روند روز گذشته حامد روحی نژاد دیگر متهم وقایع اخیر نیز به اعدام محکوم شد [2].

آنچه که اساس و محور این گزارش است مدعیات سیستم قضایی-امنیتی در خصوص این افراد است که عنوان شده "این افراد متهم (مجرم) به ایفای نقش در خشونت های پس از انتخابات هستند" و همین طور "عضویت موثر در گروه های محارب داشته اند". (کیفرخواست دادستانی در دادگاه دوم [3])

حقیقت موضوع :

طی تحقیقات میدانی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در این رابطه، محرز شد که اساساً هیچ یک از افراد فوق الذکر ارتباطی با خشونت هایی که دولت مدعی انجام آن شده و وقایع پس از انتخابات و حتی عضویتی موثر در سازمان های مورد اشاره نداشته اند.

انجمن پادشاهی دارای دو پرونده با 11 متهم است که تلاش شده است به موضوع انتخابات ربط داده شوند، این افراد همگی به اتهام محاربه در زندان به سر می برند

پرونده اول دارای 9 متهم است که عنوان شده است از طریق محمدرضا علی زمانی به عنوان سرشاخه به انجمن پادشاهی وصل شده اند، تعداد و اسامی متهمان این پرونده عبارت است از :

- 1- محمد رضا علی زمانی، شغل دست اندرکار عرصه نشر و کتاب
- 2- احمد کریمی، متولد سال 58، شغل نجاری، ساکن اسلامشهر، متهم به محاربه
- 3- حامد روحی نژاد، متولد سال 64، شغل دانشجو، ساکن دودانگه تهران، متهم به محاربه
- 4- مجید علی، 21 ساله، ساکن اسلامشهر، متهم به محاربه
- 5- آرش رحمانی پور، متولد سال 68، محل سکونت تهران، متهم به محاربه
- 6- پیمان عارفی، متاهل (همسرش نیز سه ماه بازداشت بود)، متولد سال 62، ساکن تهران، متهم به محاربه
- 7- ناصر برزگر، 24 ساله، سرباز وظیفه که اخیراً از رشته مدیریت دانشگاه ساهو فارغ التحصیل شده بود، ساکن اسلامشهر، متهم به محاربه
- 8- داود فرد بچه میرا ربیلی، متولد سال 52، بیکار، محل سکونت اسلامشهر، متهم به محاربه

9- سام (نام خانوادگی نامشخص) - ساکن شهریار، متهم به محاربه پرونده دوم متهمان انجمن پادشاهی

این پرونده دارای سه متهم است که هویت آنان تا کنون مشخص نشده، دو تن از آنان برادر هستند و اتهام هر سه نفر محاربه است، یکی از افراد این پرونده تنها به دلیل دریافت یک ایمیل معرفی انجمن پادشاهی بازداشت و به این اتهام سنگین متهم شده است.

آغاز پرونده در سال 84

حامد روحی نژاد و احمد کریمی به عنوان دو تن از مهمترین متهمان پرونده اول انجمن پادشاهی مدعی هستند در تاریخ دهم اسفندماه سال 1384 با وعده آقای محمدرضا علی زمانی برای مهاجرت به یک کشور غربی با امید به دستیابی به یک زندگی بهتر و در حالی که هیچ گونه سابقه یا فعالیت سیاسی نداشته اند، به صورت غیرقانونی راهی شهر اربیل در کردستان عراق شدند و حسب وعده دوست خود و به دلیل فقدان آگاهی با تصور اینکه در طی یک هفته و با ارائه یک داستان، موقعیت پناهندهگی به دست می آورند امید بستند.

سه شهروند ایرانی پس از ورود به اقلیم خودمختار کردستان در کشور عراق، توسط اداره آسایش کرد (نهاد امنیتی اقلیم کردستان) به اتهام جاسوسی برای ایران، بازداشت و نزدیک به سه ماه در زندان اربیل نگهداری شدند.

این سه تن پس از محرز شدن بی گناهی و آزادی از زندان، تقاضای خود برای پناهندهگی را به دفتر سازمان ملل در شهر اربیل ارائه می کنند و به همین دلیل امکان اقامت موقت در این نقطه از کشور عراق را می یابند.

محمدرضا علی زمانی کمی پس از آزادی از زندان اربیل با فردی به نام جمشید که مدعی هواداری از انجمن پادشاهی در آمریکا بود تماس حاصل نمود، این تماس در حالی بود که مسئول اصلی انجمن پادشاهی به نام فرود فولادوند (فتح الله منوچهری) در آن زمان هنوز ناپدید نشده بود و مشخص است که عضویت از طریق هوادار امکان پذیر نمی شود، دفتر لندن این سازمان به عنوان

نیصلاحترین منبع برای اظهار نظر در این سازمان طی بیانییهی هرگونه ارتباط این افراد با انجمن پادشاهی، شخص فولادوند و دفتر لندن را رد کرده است.

در بررسی تاریخچه این سازمان مشخص می شود، فرد مورد اشاره به نام جمشید به عنوان هوادار این سازمان مخالف به صورت شخصی اقدام به راه اندازی یک رادیو با نام رادیو تندر در سال 85 می کند که هیچگاه تاکنون انجمن پادشاهی

مسئولیت این رادیو را بر عهده خود اعلام نکرده است، آقای زمانی با این رادیو در زمان اقامت خود در اربیل همکاری می کند و از این طریق نیز چند بار دریافت مالی می کند. دو متهم دیگر پرونده مدعی هستند هر یک تنها یکبار اقدام به اجرای نمایش رادیویی در این رسانه کرده اند و هیچ هزینه ای هم دریافت نکرده اند و کلمه همکار را در این رابطه و با این رسانه رد می کنند.

سرانجام آقایان روحی نژاد و کریمی پس نامیدی از مهاجرت و پس از حدود یکسال و پنج ماه اقامت در کشور عراق قصد عزیمت به ایران در اوایل تابستان

سال 1387 می کنند و در همین رابطه از طریق بسته گان آقای روحی نژاد با وزارت اطلاعات تماس حاصل کرده و خود را معرفی می کنند. آقای علی زمانی نیز پس از دوماه از برگشت دوستان خود به کشور بازمی گردد.

آقایان روحی نژاد و کریمی که به صورت خودمعرف به وزارت اطلاعات مراجعه کرده بودند، بدون بازداشت بعد از یک جلسه گفتگو با یک مسئول از وزارت اطلاعات در دفتر اسلامشهر، بدون هیچ مشکلی به زندگی عادی خود بازمی گردند. هر چند از اقدام علی زمانی بعد از بازگشت به ایران خبری در دست نیست اما یکی از متهمان پرونده که از بازگشت زمانی به کشور مطلع می شود، در همان زمان با وزارت اطلاعات تماس می گیرد و این موضوع را

گزارش می دهد که مسئول مربوطه با اذعان به اینکه خود مطلع از موضوع است مساله را بدون مشکل عنوان می کند.

شهروندان مورد اشاره به زندگی عادی خود و به نزد خانواده ها بازمی گردند، آقای روحی نژاد به دانشگاه شهید بهشتی و آقای کریمی به نجاری محل کار خود.

در محدوده زمانی 12 تا 14 اردیبهشت ماه سال جاری و دست کم بیش از 40 روز مانده به زمان برگزاری انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، 9 تن که سه

فرد مذکور نیز در بین آنها قرار داشتند به دلایل نامشخص توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به بند 209 منتقل می شوند، تا اواخر خردادماه بازجویی این افراد به پایان رسیده بود.

اما با شروع اعتراضات گسترده اخیر دستگاه امنیتی همان طور که اشاره شد برای این که اعتراضات را منتسب به عوامل بی گانه و گروه های مسلح معاند نظام کند و احتمالاً به دلیل فقدان اسناد در این رابطه با دادن وعده آزادی به افراد فوق

الذکر آنها را به بیان اعتراضات ناصحیح تر غیب می کند. در این گروه نه نفره، دو تن به نام های محمدرضا علی زمانی و آرش رحمانی



و. همینطور با وعده وادار کرده است بر علیه خود مطالبی خلاف واقع ادا کند و از این طریق کوشیده است تا جنس اعتراضات پس از انتخابات در ایران را تحریف کند

افرادی که در نمونه‌های مشابه در شرایط حقوقی پرونده، با عمل‌کردهای فوق الذکر حداکثر به حبس‌های تعلیقی یا تعزیری میان مدت محکوم می‌شدند با غرق شدن در یک سناریوی امنیتی محکوم به اعدام شده و این محکومیت‌ها در خصوص سایر متهمان نیز رو به افزایش است، این احتمال وجود دارد که در ادامه این سناریو تعدادی از این متهمان بدون بازگشت پرونده به روال حقوقی برای ایجاد رعب و وحشت یا دفن نمودن حقایق به چوبه دار سپرده شوند. خنثی کردن سناریوی به اجرا گذارده شده و نجات جان افرادی که در یک روال سیاسی و نه حقوقی به مرگ محکوم شده اند، همت و توجه فوری و ویژه تمامی وجدان‌های بیدار را می‌طلبد.

با فشاری بر اعدام

همزمان با انتشار گزارش خبرگزاری هرانا، نشست سه ساعته کمیته ویژه مجلس و نمایندگان صادق لاریجانی، برگزار شد و عزم دستگاه قضایی برای اعدام چهار تن از متهمان ناآرامی‌های پس از انتخابات را جدی تر کرد. پس از پایان جلسه علنی دیروز مجلس فرهاد تجری، کاظم جلالی و پرویز سروری راهی کاخ قوه قضائیه شدند تا با کمیته سه نفره صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه در خصوص گزارش کمیته ویژه مجلس درباره ناآرامی‌های پس از انتخابات به تفاهم برسند.

در این دیدار سه ساعته بررسی گزارش کمیته ویژه کمیسیون امنیت ملی در دستور کار قرار داشت اما در پایان این جلسه خبری از تفاهم نمایندگان دو کمیته منتشر نشد. اما به واسطه صدور حکم اعدام برای چهار تن از متهمان حوادث انتخابات موضوع جلسه به بررسی این خبر تغییر جهت داد چراکه به دنبال این رایزنی سه ساعته مخبر کمیته ویژه مجلس اعلام کرد عزم دستگاه قضایی برای اعدام چهار تن از متهمان اغتشاشات اخیر جدی است.

فرهاد تجری نماینده قصر شیرین به «اعتماد» گفت: «اثبات عناد چهار تن از متهمان اغتشاشات اخیر با نظام جمهوری اسلامی برای دستگاه قضایی، عزم این دستگاه را برای در نظر گرفتن مجازات اعدام برای آنها راسخ کرده است.»

فاطمه حقیقت جو:

زمینه‌سازی برای صدور احکام سنگین علیه متهمان حوادث

انتخابات

مدیر روابط عمومی دادگستری استان تهران روز شنبه اعلام کرد که «سه نفر از متهمان حوادث بعد از انتخابات به اعدام محکوم شده‌اند.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از بشیری راد، دو نفر که او از آنها با حروف اختصاری «م. ز» و «الف. پ» نام برد، متهم به ارتباط با انجمن پادشاهی ایران و فرد دیگر تحت عنوان «ن. ع» متهم به ارتباط با سازمان مجاهدین خلق محکوم به اعدام شده‌اند. مدیر روابط عمومی دادگستری استان تهران گفت: احکام اعدام صادر شده برای این سه نفر به وکلای آنها ابلاغ شده است تا در صورت اعتراض، تشریفات قانونی مربوطه را طی کنند.

فاطمه حقیقت‌جو، نماینده دور ششم مجلس شورای اسلامی، در همین زمینه به پرسش‌های رادیو فردا پاسخ داده است.

رادیو فردا: خانم حقیقت‌جو، ارزیابی شما را از صدور حکم اعدام برای سه تن از متهمان محاکمات حوادث پس از انتخابات چیست؟

فاطمه حقیقت‌جو: جای تأسف است که حکم اعدام برای آنها صادر شده است. رژیم دست‌ساز به خون آغشته است و مردم را فقط به این دلیل که اعتراض می‌کنند و می‌گویند احمدی‌نژاد رئیس جمهور ما نیست، در خیابان‌ها و یا زندان کهریزک می‌کشند و فیلم‌ها نشان می‌دهد که چگونه اموال مردم را تخریب می‌کنند.

حکومت فکر می‌کرد این داستان پس از یک ماه متوقف می‌شود، اما پنج ماه از انتخابات گذشته و هنوز وقتی مردم فرصتی مانند روز قدس و یا مسابقات ورزشی به دست می‌آورند و یا در فضای دانشگاه‌ها اعتراض خود را ادامه می‌دهند، بنابراین حکومت فکر می‌کند اگر چند نفر از این افراد را به نام تشکیلاتی که زیاد مورد اقبال مردم نیستند اعدام کند، مردم سکوت می‌کنند. چند نفر را می‌آورند تا اعتراف کنند وابسته به این گروه‌ها هستند و بعد آنها را اعدام می‌کنند، اما حتی اگر اینها عضو مجاهدین خلق و یا انجمن پادشاهی هم

نژاد حاضر به همکاری در این موضوع می‌شوند، بنابراین به همراه سایر متهمانی همچون ناصر عبدالحسینی (متهم ارتباط با سازمان مجاهدین خلق) به مدت یک هفته پیش از برگزاری دادگاه متن و اجرا را با کمک بازجوی خود به کرات در بازداشتگاه تمرین می‌کنند.

این افراد پس از اجرای این سناریو [4, 5] و در زمان پایان دادگاه و مراجعت به زندان به گواه شاهدان در خودروی مخصوص زندان حتما اقدام به شادی و خوش‌حالی به دلیل در آستانه آزادی بودن می‌کردند اما با مراجعت به زندان و در یک وعده شکنجه به ترتیب احکام اعدام صادر و به آنان ابلاغ می‌شود که از گروه 9 نفره مورد اشاره تا کنون 3 تن این محکومیت را دریافت کرده‌اند.

مجید علیی

دیگر متهم پرونده مورد اشاره است (بازداشت شده 27 اردیبهشت) که در دادگاه دوم متهمان وقایع پس از انتخابات حاضر شده بود. نام‌برده هیچ‌گاه از کشور خارج نشده است و تنها فعالیت خود را یکبار ارائه گزارش اعتراضات در کارخانه کیان تایر و یکبار تماس تلفنی با رادیو تندر که همان‌طور که اشاره شد ارتباطی با انجمن پادشاهی ندارد عنوان کرده است، وی نیز متهم به محاربه و محتمل به محکومیت اعدام است.

آقای علیی عنوان می‌دارد تلاش زیادی برای کمک به دوستان خود برای برگشت به کشور داشته است و جدی ترین ارتباط خود با آقای زمانی را در همکاری در عرصه برگزاری نمایشگاه کتاب و فعالیت اقتصادی در سال 84 می‌داند.

پیمان عارفی، ناصر برزگر، داود فرد بچه میراردبیلی، سام، آرش رحمانی‌پور هیچیک از افراد فوق تاکنون از کشور خارج نشده‌اند و هیچیک به غیر از آقای زمانی با کسی در تماس نبوده اند. هیچ اقدام خشونت آمیزی نداشته‌اند و هیچ‌گونه مواد منفجره یا اسلحیهی از آنان ضبط نشده است.

لازم به ذکر است همسر آقای عارفی نیز مدت سه ماه بازداشت شده بود که سرانجام با قید وثیقه آزاد شد.

انجمن پادشاهی ایران

انجمن پادشاهی ایران، از گروه‌های سلطنت‌طلب ایرانی است، به رهبری فرود فولادوند، «این گروه قابل به مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی است. اندیشه‌های این گروه ملغمه‌ای از گرایش‌های ناسیونالیستی ایران باستان، افکار سوسیالیستی همراه با نفی اندیشه‌های اسلامی است اما منش آن با گروه‌های موسوم به سلطنت طلب تفاوت دارد.»

فرود فولادوند به عنوان لیدر این سازمان پس از سفر به منطقه مرزی ایران در استان حکاری ترکیه در تاریخ 7 بهمن 1385 (۱۷ ژانویه ۲۰۰۷) به همراه دو همراه خود به نام‌های الکساندر ولی‌زاده و ناظم اشمیت ناپدید می‌شود که سازمان‌هایی همچون عفو بین الملل و صلیب سرخ جهانی و همین‌طور مدعیات همسر، فرزند و همکاران وی از ربوده شدن وی توسط سیستم امنیتی جمهوری اسلامی حکایت می‌کند. مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران نیز پیش تر گزارشی مفصل در این رابطه منتشر کرده بود.

گزارشات متعددی در خصوص تداوم زندانی بودن یا قتل وی تاکنون مخابره شده است، آنچه که مسلم است پس از ناپدید شدن وی این سازمان عملاً لیدر خود را از دست داده و افراد زیادی مدعی مدیریت و راهبری آن شده‌اند، و سایت‌های متعددی نیز در این رابطه فعال هستند، با این وضع، دفتر لندن این سازمان که دارای هویت حقوقی است قدیمی‌ترین بازمانده از تشکیلات دوران فعالیت آقای فولادوند محسوب می‌شود. این دفتر افراد و عناصری که در کیفرخواست‌ها از آنها به عنوان مسئولان این سازمان ذکر نام شده است را ناصحیح اعلام کرده و اقدامات خشونت‌آمیز منتسبه به این انجمن را نیز نفی می‌کند. [6]

بازداشت شده‌گان فوق الذکر نیز هیچ‌گاه مدعی ارتباط با انجمن پادشاهی با شخص فرود فولادوند نشده‌اند و دستگاه امنیتی از طریق، طرح ارتباط 8 نفر با علی زمانی و وصل بودن علی زمانی به انجمن از طریق فردی به نام جمشید که هوادار انجمن بوده سعی در عضو نشان دادن این افراد می‌کنند.

زندانیان در معرض خطر اعدام فوری

نظر به اینکه افراد فوق الذکر نه در وقایع انتخابات و نه پس از آن ایفای نقش کرده‌اند و نه امکان ایفای نقش داشته‌اند و نظر به اینکه اساساً عضویتی در سازمان مورد اشاره را نمی‌پذیرند و مستندات نیز این مهم را تأیید می‌کند، باید از سیستم امنیتی سوال کرد بر چه اساسی متهمین را با شکنجه‌های جسمی و روحی



راههای سبز

دست داشته و زمینه ساز این آسیب پذیری و آسیب زایی هستند و اینک نیز همین بزرگسالان به حذف مسائلی که خود ببار آورده و از حل و فصل آن ناتوان هستند، اعدام فقط یک انسان نیست که خود داستان غم انگیزی است. این عمل یعنی اعدام همانند عمل قتل آن کودک، هر دو در ماهیت جرم محسوب می شوند و هرگز نمیتوان پاسخ امری آسیب شناختی را با امری آسیب ساز دیگر به چاره جویی نشست.

از اینروست که معتمد طرح و دفاع از حقوق کودکان و کودکی در ایران دفاع از حقوق بشر برای آینده است و این یک امر مبرم در کنار سایر فعالیت های حق طلبانه است. ولی چه کسی و چگونه می تواند از این تولید نفرت و خشونت پیشگیری کند؟

برخی شواهد آماری

در سال 2007 ایران با بیش از 317 اعدام از رتبه 4 به رتبه دوم در جهان صعود کرد. این رقم در سال 2007 یعنی کمتر از ده سال به 317 نفر اعدام شده افزایش یافته و رتبه ایران را پس از چین به مقام دوم رساند. این در حالی است که در مقایسه بین جمعیت این دو کشور، نرخ اعدام در ایران وضعیت بسیار نگران کننده ای را بخود گرفته است. به عبارت دیگر از هر یک میلیون نفر، یک نفر در ایران اعدام شده اند.

از نظر تعداد زندانی نیز ایران با 163526 زندانی در سال 2003، در بین 164 کشور رتبه دهم را بخود اختصاص داده است! از منظری دیگر نسبت جنسی زندانیان نشان می دهد فقط 3.5 (سه و نیم) درصد از آنان زن هستند و از این نظر نیز از بین 134 کشوری که دارای زندانی زن بوده اند رتبه 84 را اتخاذ کرده است. همچنین شواهد گویای این امر است که از هر 100، 000 نفر، 226 نفر ایرانی در زندان بسر می برند. این شاخص در مقایسه با مقیاس جهانی جایگاه ایران را در رتبه 33 قرار می دهد.

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل در زمینه مجازات اعدام در جهان، چین، ایران و عربستان از نظر تعداد اعدام در سال ۲۰۰۸، در صدر کشورهای قرار دارند که این مجازات در آنها اجرا می شود. آلبور هندیش، فعال ضداعدام سازمان عفو بین الملل در آلمان، بر این عقیده است که جهان در مجموع در حال حرکت به سوی حذف کامل حکم اعدام است. به اعتقاد او، حتی یک اعدام هم زیاد است و هنوز هم بسیاری کشورهایی که حکم اعدام - و اغلب در پی محاکمه های غیر منصفانه - صادر می کنند. هندیش معتقد است، گردن زدن، به دار آویختن، تیرباران و سنگسار کردن یا با صندلی الکتریکی و تزریق سم کشتن، در قرن بیست و یکم جایی ندارند. به اعتقاد او، اعدام «یک شکنجه جسمی و روحی قانونی» است که به مرگی منتهی می شود که دولت ها آن را سازماندهی می کنند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران اسامی ۱۱۴ متهم نوجوان را منتشر کرد که در انتظار اعدام به سر می برند. این اولین بار است که چنین لیستی در دسترس قرار گرفته و به طرح جزئیات اعدام متهمین به ارتکاب جرم زیر 18 سال پرداخته است که جز شماری از کشورها، بقیه آن را منع کرده اند.

برخی رویکردها

در میان مباحث مربوط به اعدام فارغ از هرگونه ارزشگذاری، همه در لغو اعدام هم نظر نیستند. می دانیم بسیاری از احاد ملت نیز به اعدام بعنوان روشی برای التیام روح صدمه دیده و زخمی جامعه و خانواده آسیب دیده یا مقتول تجویز میکنند. از اینرو در این میان دو دیدگاه وجود دارد. از سوی دیگر رویکرد دیگری بر ناکارآمدی، غیر انسانی بودن، بدویت نوع نگاه به جرم، کیفر و مجازات تاکید دارد. این دو رویکرد اگرچه دارای گزارهای متناقضی است ولی دارای نقطه شروع مشترکی نیز هست.

الف. به تعبیر دورکیم قوانین و مقررات هر جامعه ای بر حسب میزان تکامل اجتماعی و فرهنگی آن پاسخگوی نیازهای ساختاری روابط و مناسبات خاص هر دوره تاریخی است. از نظر او در جوامع ابتدایی و سنتی با تسلط اقتصاد معیشتی و روابط قبیله ای و همچنین سلطه روابط غیر دمکراتیک و استبدادی، تمامی قوانین ناظر بر مجازات حقیقی و انتقام جویانه بوده و جهت زاجره داشته یا مبتنی بر زجر مجرمان بوده است. رهبران این نوع از اجتماعات با بهره گیری از این روش می توانستند به تنظیم و تضمین مناسباتی بپردازند که منافع آنان را در پی داشته و شالوده روابط موجود اجتماعی را حفظ کند.

به نظر میشل فوکو در نظام کیفری قدیم تنها هدف مجازات ایجاد رعب و وحشت بود، به همین دلیل مجازاتها بیشتر به صورت زجر دادن در منظر عموم بود و مجازاتی که همگان شاهد آن نبودند معنایی نداشت. در این پارادایم بدن انسان کانونی ترین موضوع حمایت از وجدان جمعی و برخورد با جرایمی است که خلاف هنجارهای عمومی رخ می دهد. در میان دیدگاه های مختلف در بررسی ابعاد اعدام خاصه از منظر جامعه شناختی، این رویکرد وجود دارد که پدیده ای که توسط عامه مردم پذیرفته است، مشروعیت دارد! آیا هرآنچه که مردم عامی انجام می دهند با تحلیل اجتماعی و نظری می توان به سراغ حفظ و تأیید آن شتافت؟! به تعبیر هگل روشنفکر کسی است که عقل خود بنیاد دارد نه عقل سلیمی که احاد یک ملت بدان باور دارند. روشنفکر کسی است که خلاف جریان آب، یعنی علیه استاندارد عمل کردن و نرمالیزه کردن جامعه بسنجد که در تقاب وجدان اجتماعی و با سلاح قدرت ادعا زور می کند. در فضای دانشگاهی نیز گاه شاهد چنین رویکردهایی هستیم که بر موضوع اعدام بعنوان یک رویکرد در تعدیل جرایم و تأمین حس انتقام فردی صحه می گذارند. در این میان باید به نظام آموزش عالی سالهای پس از انقلاب آفرین گفت که چنین به استاندارد سازی باورها و اندیشه های رداخته است. بطوریکه متخصصان نیز گاه در تفکر اجتماعی و توسعه ای با مردم کوی و برزن فاصله زیادی ندارند. بی سبب نیست پوپولیسم بدوی در دیار ما چنین پرسود است.

باشند همه ما ایرانی ها با دیدگاه های سیاسی، مذهبی و قومی مختلف باید به این مسئله اعتراض کنیم. کسی به جرم اینکه عضو سازمان مجاهدین یا عضو انجمن پادشاهی است، نباید اعدام شود.

آیا صدور این احکام اعدام با ادامه اعتراضات مردم علیه نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ارتباط است؟

بله قطعاً همین طور است. این احکام را صادر کرده اند چون فکر می کنند اگر چهار نفر را اعدام کنند بقیه ساکت می شوند و می ترسند، درحالی که مردم نمی ترسند و به جنبش خود ادامه می دهند.

در ضمن من فکر می کنم با این احکام می خواهند زمینه را آماده کنند تا احکام سنگینی برای سایرین صادر کنند و با افراد جدیدی را بازداشت کنند، حتی رهبران جنبش را. این احکام اعدام و شدت عمل از سوی دولت در قبال معترضان تا چه اندازه بر حرکت اعتراضی مخالفان مؤثر واقع خواهد شد؟

رهبران جنبش دوست ندارند هزینه ها بالا برود، ولی متأسفانه این هزینه ها بالا رفته است، بسیاری در همان روزهای اول کشته شدند و بسیاری در بازداشتگاه ها و رژیم می خواهد بگوید قاطع است.

به نظر من این مسئله باید اراده رهبران جنبش را قوی تر کند و باید بدانند راهشان درست است و تا زمانی که اصلاحات بنیادین اتفاق نیفتد و به خواسته های جنبش نرسند، باید محکم تر ادامه دهند. البته اینها محکم خواهند بود و اعتراض خود را نسبت به این احکام اعلام خواهند کرد.

مبارزه با اعدام، با مبارزه علیه اندیشه اعدام آغاز می شود

علی طایفی

خبر اعدام بهنود شجاعی را همگان در هاله ای از ابهام و اندوه خوانند. مهمترین پرسشی که در این میان مطرح می شود این است که چگونه و چرا یک انسان بخاطر قتل انسان دیگری، باید جانش را از دست بدهد! قتل پدیده ای مجرمانه است ولی قتل قاتل مجرمانه نیست! چه فرایندی سبب مشروعیت یکی و محکومیت دیگری می گردد؟ متن حاضر درصدد بررسی چنین پرسشی و تلاش برای یافتن پاسخی درخور است.

سی سال پی درپی هر روز منتظر اخبار بد و غیر انسانی هستیم. صبحانه روزانه ملتی مصیبت زده و غنوده در اغوش آموزه های سخیف دینی و متحجر خوراکی جز مرگ نبوده است!

روز مرگ و اعدام هر انسانی و امروز بهنود، تیر خلاص دیگری است بر بدنه نحیف وجدان همه شرکای دینی، حقوقی و اجتماعی این حکم. به فاصله یک روز از روز کودک و روز مبارزه علیه خشونت و اعدام باردیگر شرع انور اسلامی تقابل و ناهمسازی خود را با حقوق انسانی بنمایش گذارد.

شخصاً از خانواده مقتول خرده ای نمی گیرم که آنان نیز آموزش یافته و تربیت یافته ساختار فرهنگی حقوقی و ارزشی هستند که رهبران دینی آن با اندیشه های سفالی، کوزه های خالی اندیشه را سالیانی است بجای آب گوارا به آنان نوید داده اند. روزگار شکستن این کوزه ها، روزگار استیفای حقوق انسان خواهد بود.

اعدام هر انسانی بدلیل جرم، خود تکرار جرم دیگری است. برای مبارزه علیه اعدام باید با اندیشه اعدام مقابله کرد. قوانین بدوی مربوط به بازتولید جامعه، همواره فرد را قربانی جامعه کرده است. روشهای مجازات زاجره و قصاص بجای قوانین تنبیهی و ارشادی، کهن ترین و بمعنای امروز غیر انسانی ترین پاسخ و راهکار چاره جویی مسائل اجتماعی است.

جمهوری اسلامی در ایران ناتوانی در حل مسائل عدیده اجتماعی و فرهنگی که مسبب اصلی آن فقر ایدئولوژیک و مدیریتی و دانشی است، نه تنها در زمینه سازی این مسائل نظیر قتل ها و نزاع های اجتماعی، بلکه در پیامد های این مسائل نیز به بدترین روش به حذف صورت مسئله می پردازد.

در این میان نقش رهبران دینی و متشرعین نیز بسیار حائز اهمیت است که بتوانند به بازنگری و تطبیق شرع اسلامی با ضرورتهای امروز جوامع مدرن و حقوق نوین بپردازند. در غیر اینصورت و در اثر بی تن کردن پوشش کهنه متعلق به هزاره های قبل به تن و اندام انسان امروزی و بالغ، علاوه بر اینکه قربانی نخست آن انسان خواهد بود، قربانی دیگر آن میانی دینی است.

روح قوانین کیفری و جزایی درباره حقوق کودک بسیار متناقض است. از سویی کودکی پدیده ای حاشیه نشین است و کودکان کمترین حقوق دفاع و برخورداری از حقوق اجتماعی از آموزش و تفریح گرفته تا پوشاک، مسکن و تغذیه مناسب را دارند و در فرایند های تصمیم گیری نیز نقشی بدانان محول نمی شود ولی همین کودک در ارتکاب جرمی مانند بزرگسال در انتظار مرگ تا رسیدن به سن قانونی مرگ! روزانه بارها مرگ را به تخیل و کابوس می گذرانند!

نظام حقوق امروز ما نه تنها با رشد ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران امروز منطبق نیست و کوس مانگاری در دوران اولیه حقوق و قرارداد های الهی- طبیعی را می زند، بلکه با ساختارهای جمعیتی نیز سازگاری نشان نمی دهد. بنظر می رسد نسل گذشته در تضاد جدی با نسل کنونی و بخصوص نسل آتی قرار گرفته و قربانیان این تضاد فقط فاقدان قدرت است!

اعدام کودکی به جرم قتل کودکی دیگر توسط بزرگسالانی که خود در زایش این جرایم



نتیجه گیری

اعدام کودکان و حتی بزرگسالان بدترین و شنیع ترین و در عین حال عاجزانه ترین راهکار حل اما نه پاک کردن صورت مسئله است؛ اگرچه صورت مسئله پاک نمی شود. در ممالک غیر اسلامی که سرزمین کفر می خوانیم، کفار به چنان سنجایی انسانی رسیده اند که علاوه بر دفاع از حقوق کودکان، موضوع اعدام انسان را به چالش کشیده اند. کودکان در ممالک اروپایی مهمترین موقعیت حقوقی را دارند و از دوره شکل گیری جنین تا سن 18 سالگی، همه کودکان تحت حمایت قانونگذار و دولت بعنوان خرد و روح جمعی است بطوریکه حتی اگر پدرمادر صلاحیت تربیت کودک خود را نداشته باشند از آنان ستانده و به خانواده دیگری می سپارند.

در ایران دولت نه تنها پاسخگوی مردم نیست، بلکه ظاهراً ملت پاسخگوی اوست؟! چنانکه بسیاری از قواعد دیگر این مرزوبوم با اصول جهانی و انسان پسند سازگار نیست، دولت نیز تاوان ناتوانی خود را از ملت می ستاند و کودکان و جوانان قربانی شده، در نتیجه عملکرد غلط اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی دولت، ناشکفته جان می دهند. چرخه عمر انسان بعنوان اشرف مخلوقات در یک جامعه اسلامی به چنان ذلالتی می رسد که اکسر مخلوقات شده و حذف مقدم بر خلقت می شود؟! کودکانی که نه بدنیا آمدنشان انتخابی است، نه زندگی شان در فقر و محرومیت، نه مورد تجاوز و غفلت قرار گرفتن آنان و نه جان باختن و مرگ زودرسشان؟! بنظر می رسد قطار مرگ و اعدام همچنان سوت کشان در راه است و صدای کودکان را کسی نمی شنود و مدعی العموم بجای غرامت از بزرگسالان، کودکان را به مسلخ می فرستد.

قوانین همه برگرفته از واقعیت های اجتماعی هستند حتی اگر مصبوغ به ماخذ الهی باشند. از اینرو به استناد نظریات بسیاری در حوزه مبانی جامعه شناختی، زمانی که ارزش ها و هنجارها با ساخت و سازه های اجتماعی همسازي نشان نمی دهد نمی توان واقعیت را قربانی ارزشها و هنجارها ساخت. تقدس انسان بعنوان یک موجود اجتماعی مقدم بر تقدس ارزش ها و هنجارهای انسان ساخت است. هنجارها باید در خدمت واقعیت و تحول آن بسوی بقای پویا باشد. بالاین مقدمه می توان چنین نتیجه گرفت:

الف. اعدام هر مجرمی، اعدام جرم نیست. لذا برای کاهش جرم اعدام کارساز نیست.
ب. اعدام یک مجرم یعنی منفردسازی یک پدیده بنام جرم. به تعبیر فوکو این منفردسازی فقط ناشی از قدرت نیروی مسلطی است که در تشت ادراکی اش جرم را تقض قاعده بازی مورد علاقه او می داند.

پ. اعدام بازتولید خشونت است. فلسفه وجودی اعدام از ازمنه دور، بشکل نانوشته ای این بوده که خشونت را نفی سازد هرچند بصورت بدوی آن. اینک در جامعه امروز با توسعه اندیشه اجتماعی و همچنین ناکارکردی این روش، اعدام ناقض امر خشونت زدایی است.

ت. یک مجرم محصول فرایندهای اجتماعی است و جرم یک برساخته اجتماعی محسوب می شود. در این خصوص باید به بازخوانی انتقادی ساختارها و قوانین و بستر اجتماعی پرداخت که میزان جرایم و مجرمان آن برخلاف اعدام ها روزافزون است.

ث. در اکثر کشورهای بویژه اسکندیناوی که نرخ اعدام صفر می باشد، میزان جرایم در کمترین حد خود قرار دارد و تعداد زندانی در این ممالک در حداقل میزان خود. اگرچه جرم های مدرن در دنیای امروز متفاوت از جرایمی است که مثلاً در ایران بوقوع می پیوندد. در ایران زنی که متقاضی حق برابر با مرد است مثلاً در طلاق یا سرپرستی کودک، در صورت اصرار بر این حق مستوجب زندان و مرتکب جرم شناخته می شود ولی در سوند مردی که حق برابر زن خود بعنوان همسر را ندهد مجرم شناخته می شود!

ج. اعدام یعنی سلب ناخوسته حق زندگی یک شخص. این عمل خواه توسط مجرم مرتکب به قتل صورت گیرد خواه از سوی نهاد قضایی و حقوقی و نظام مجازات اسلامی یا هر عنوان دیگری، مترادف با همان سلب ناخوسته حق زندگی است. به تعبیر دیگر اعدام خود یک جرم است و شخص یا نهاد صادر کننده حکم اعدام خود مجرم شناخته می شود.

چ. قاتل و مقتول هر دو قربانی شرایط نامتناسب با سنجایی انسانی هستند. برای ایجاد سنجایی انسانی باید جامعه را انسانی کرد.

ح. برای حرکت بسوی لغو اعدام خواه برای کودکان یا بزرگسالان، مبارزه با اندیشه اعدام مهمتر از خود اعدام است. کمپین های حقوق بشری اگر بتوانند در کارنامه فعالیت خود یک اثر بجای بگذارند همانا که بتوانند با بسیج تمامی نیروهای فعال و همسو در عرصه ملی و بین مللی به فراخوان عمومی برای ایجاد فشار بر دولت جمهوری اسلامی جهت لغو اعدام از قوانین مدنی و کیفری در کشور بپردازند.

درجایی یک محقق مسائل اجتماعی می نویسد "نمی توان و حتی نباید به آن (اعدام) مخالفت کرد و چه بسا استقبال از آن نیز مفید و لازم است" و اینکه "در غرب به هر دلیلی وجود چنین حکمی را نمی پسندند، لزوماً دلیل بر غلط بودن و نفی آن نیست" درنقد این رویکرد باید اذعان کرد نقش یک متفکر اجتماعی فقط توجیه وضع موجود نیست. استناد به آمریکا و کشورهای مانند آن بویژه در ممالک اسلامی سند معتبری برای توجیه امر غیرانسانی و ضد حقوق بشری و ضد جامعه ای نیست.

ب. در نظام حقوقی جدید بسیاری از مفاهیم از جمله حقوق شهروندی مبتنی بر فرد گرایی، حقوق زنان و کودکان بازنویسی و بازاندیشی شدند. از اینرو روح قوانین در شکل توسعه یافته آن بویژه با توجه به شاخص های انسانی، دفاع از حق حیات و کرامت انسان در جامعه است و دیگر فرد برای حفظ و دفاع از جامعه قربانی نمی گردد(5). در نظام جدید درباره فایده کیفر برای جامعه و فرد مجرم چون و چرا می شود. اگرچه هیچ گاه هدف مجازات را نیز پیشگیری از وقوع جرم فراموش نشد، هدف اخیر نیز به آن اضافه گردید. در این نظام، تنبیه دستخوش دو تغییر مهم می گردد. اول این که دیگر متوجه جسم و بدن نیست، بلکه قلب و اندیشه و اراده و امیال فرد هدف قرار می گیرد، دوم اینکه در منظر عام صورت نمی گیرد و مردم از صحنه مجازات غایب شده اند. به همین دلیل، در این نظام، زندان که آزادی فرد را سلب می کند، شیوه اصلی تنبیه شناخته شده است و مجازات بدنی و از جمله اعدام در بسیاری از کشورها لغو شده یا در عمل اجرا نمی شود.

پ. قصاص در فقه اسلامی بیانگر نوعی مقابله به مثل است تا بنحوی بتواند از این رهگذر حق را به صاحب حق برساند. در اینجا مدعی العموم که بر پایه قوانین اسلامی نمایندگی استیفاي حق مؤمنان را برعهده دارد بعنوان نماینده حکومت اسلامی یا خدا! و نه نماینده منتخب مردم برای حفظ همبستگی جامعه به تکرار عمل مجرمانه علیه مجرم فرمان می دهد! از این منظر قصاص و مبانی حقوقی اسلامی در ایران ناظر بر حفظ و ارزش کرامت انسان نیست بلکه برای عبرت جامعه، فرد را قربانی اسطوره قدرت و جامعه می کند. این رویکرد از بعد نظری به تعبیر کوراسو مبتنی بر نگاه و تحلیل بیولوژیک از کودک استوار است و علاوه براینکه سن بلوغ را مبنای مسئولیت پذیری مدنی کودک تلقی می کند، ازمنظر کیفری نیز چشم را در برابر چشم و دست را در برابر دست به قصاص می نشیند!

ت. صرفنظر از بحث های ارزشی، واقعیت های موجود نیز نشان از این دارد که اکثریت کشورهای جهان نیز بسوی لغو مجازات اعدام شتافته اند. در این میان تأمین حس انتقام جویی فرد و یا خانواده فرد آسیب دیده ناشی از یک جرم، ملاک عمل نیست بلکه حفظ امنیت، سلامت و بهداشت اجتماعی از یکسو و احترام به حق حیات فردی ازسوی دیگر لازمه تداوم جامعه انسانی فرض شده است. از بین 230 کشور درجهان فقط حدود 40 کشور هستند که هنوز در قوانین خود مجازات اعدام دارند. اعدام، قصاص چشم در برابر چشم و سایر ارگانه ها، به همان میزان شنیع و مذموم است که عمل جرم فرد مرتکب بدان! ث. فشار روانی و ناگزیری خانواده و بازماندگان فرد آسیب دیده و یا کشته شده بگونه ای است که حس انتقام جویی تقویت می شود. علاوه بر این خشونت، خشونت می زاید. انتشار اخبار و انعکاس و اقدام آن در پهنه های عمومی زندگی اجتماعی، بیش از آنکه عامل پیشگیرانه باشد، میل به خشونت را افزایش می دهد. شواهد حداقل در این خصوص کافی است نشان دهد که پس از سی سال گذشت از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، میزان رشد زندانیان در ایران بیش از 7 برابر ولی نرخ رشد جمعیت دوبرابر شده است؟! و به ازای هر 8 ایرانی یک پرونده قضایی گشوده شده است. پیامد مستقیم احکام خشونت بار اعدام و قصاص رشد روزافزون نرخ جرایم و خشونت در پی خشونت است.

دیگر اینکه قرار نیست نظام حقوقی جامعه بدنبال تسویه حساب و انتقام جویی رود. کسانی که فرزندان شان یا عزیزان شان توسط قاتلی مقتول شده اند می بایست بنحوی آموزش ببینند که بجای حس انتقام حس ترمیم در دل و یادشان ببروراند. این یک حکم تنبیهی است که ناظر بر نظام حقوقی در دنیای معاصر است. ممالکی که عمدتاً رهیافت توسعه سنجایی انسانی و کرامت او را مینا نهاده اند، بجای اعدام به حذف عواملی دست یازیده اند که سبب ساز وقوع جرایمی می شود که بنظر و تا پیش از این مستحق اعدام بوده است. آنچه مسلم است اعدام فقط یک روش پیشگیری از وقوع جرایم است و بسیاری از کشورهای اروپایی در تحقق سایر عوامل کاهش جرایم بدور از ابزار اعدام به موفقیت هایی دست یافته اند. اگرچه تکلیف ممالکی مانند انگلستان و آمریکا در این بین متفاوت و خاص است.

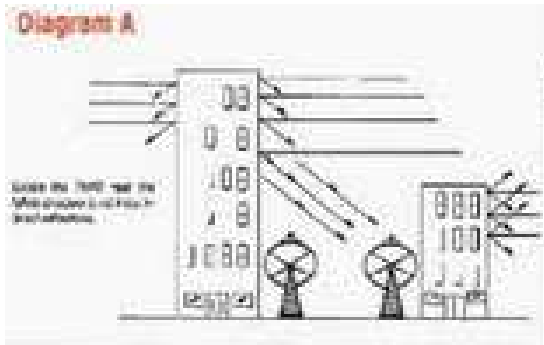
بنظر می رسد با ادامه سیاستهای غلط در زمینه آموزش و پرورش کودکان، عدم پوشش تحصیلی کامل برای قریب 3 میلیون نفر کودک، فقر و محرومیت در مناطق شهری و حاشیه شهری با چهره کودکان شده، بیکاری والدین، اعتیاد روز افزون و توسعه آن در بین بیش از یک میلیون کودک دانش آموز، کار و زندگی بیش از دویلیون کودک در خیابان، بی هویتی و فقدان شناسنامه بیش از یکصد هزار نفر کودک و دهها مسئله دیگر، بر فهرست اعدام کودکان و حتی بزرگسالان روز بروز افزوده می شود. از اینرو با دامه چنین روندی باید سرانه چوبه های دار در کشور بجای افزایش سرانه درآمد و رفاه و امنیت ملی، ازدیاد یابد.

اعدام، بویژه اعدام کودکان، دور باطل و گردونه شومی است که یک سر آن بزرگسالان بظاهر تا گردن مغز! و با عقلانیت مطلق، با سوءتدبیر و عدم پاسخگویی بموقع به نیازهای کودکان و نوجوانان، هزینه ناکارآمدی سیاست ها و عملکرد خود را برعهده کودکان نهاده و مردم از همه جا بی خبر رانیز می شورانند که اگر شما اعدام نمی کنید بدهید ما با دستمان چنین می کنیم!؟





روش های دیگر



عکس های ۵، ۶ و ۷ قدیمی ترین و اولین روش میارزه با پارازیت را نشان می دهد. این روش در چند سال گذشته کاربرد زیادی داشت و اکنون نیز در مناطقی که شدت پارازیت در آنها نسبتاً کمتر و ضعیفتر است کارایی دارد.



راه های مقابله با پارازیت های ماهواره

داود حبیبی @

کودتا چپان با استفاده از دستگاهها و سیستم های روسی ، تلاش وسیعی را برای از کار انداختن تلویزیون های ماهواره ای توسط پارازیت آغاز کرده اند. راه حل های مقابله با پارازیت های ماهواره ای در این مطلب ارائه شده است. عکس های مورد نیاز نیز ضمیمه شده است تا با استفاده از آنها بهتر بتوان با ترفند دشمنان آزادی مقابله کرد.

امواج پارازیت در ایران ما به دو صورت ارسال می شوند :

اول، طریق ارسال سیگنال مزاحم روی فرکانس کانالی خاص و به سمت ماهواره پخش کننده، ارسال می گردد که تنها باعث ایجاد اختلال در تمامی کانالهای موجود در آن فرکانس خاص می شود ولی بقیه فرکانسهای آن ماهواره قابل دریافت است.

دوم: ارسال از طریق منابع زمینی که در این روش تقریباً تمامی فرکانسهای ماهواره ای در جهتهای مختلف از کار می افتند. این روش بسیار خطرناک و مضر برای سلامتی انسان می باشد.

راههای مقابله با این روش به شرح زیر است:

اولین و کارآمدترین روش

کافی است دیش را با توجه به جهت منبع ارسال پارازیت در محلی قرار دهید تا مانعی سخت سر راه پارازیت قرار بگیرد. به عکس ۱ و محل قرار گرفتن دیش دقت کنید.



البته اگر شما چنین محل مطمینی را پیدا نکردید مهم نیست . می توانید فقط جهتی که امواج پارازیت از آنسو ارسال میشوند را ببندید و دیش را کنار دیوار یا کولر یا هر مانع سخت دیگری قرار دهید.

توجه به عکسهای ۲، ۳ و ۴ نشان می دهد که می شود از دیوار، کولر، حصارهای توری فلزی یا سیمی یا هر چیز مشابه آنها بعنوان مانع سخت استفاده کرد و از شر پارازیت خلاص شد.

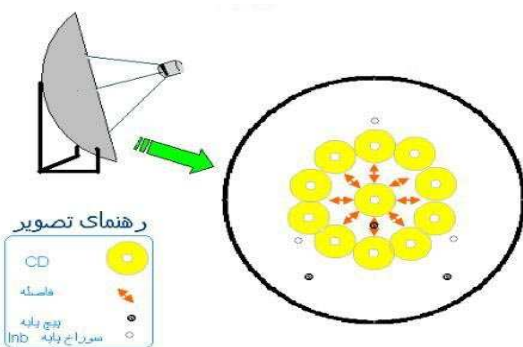
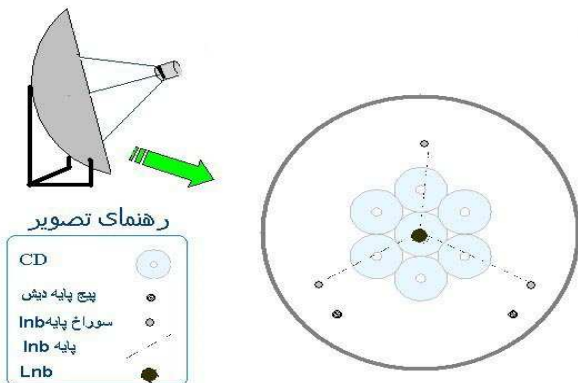


در صورت امکان می توان دیش را در بالکن یا در حیاط خانه قرار داد.



راههای سبز

عکس های شماره ۱۲ و ۱۳ نیز نشان دهنده یکی از روشهای برای مبارزه با امواج پرازیت است. باید از CD های NoName استفاده کرد و اگر اینگونه CD را نتوانستید پیدا کنید باید لایه رنگی روی CD ها را پاک کنید و بعد دقیقاً همانند شکل های زیر با استفاده از چسب قطره ای کف دیش قرار دهید. توجه کنید: فاصله CD ها در عکس شماره ۱۳ از یکدیگر ۲-۳ CM باید باشد.

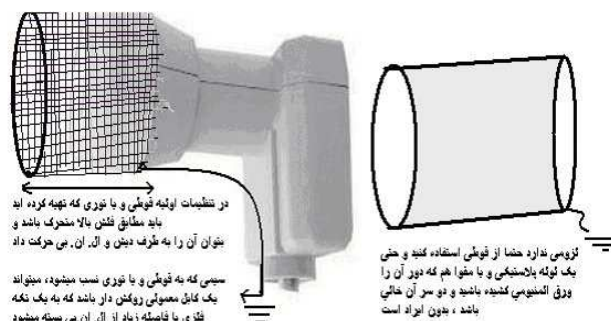


منبع اصلی ارسال پرازیت

یکی از مراکز اصلی ارسال پرازیت برج میلادست، جایی که زمانی قرار بود همانند برج معروف CN Tower تورنتو کانددا، نماد شهر تهران یا بقول خود مهندس کرباسچی یادگاری بجای مانده از ایشان باشد و در حال حاضر بجای ا نماد شهر تهران، نماد نماد سانسور و خفقان شده است. عکس های زیر از محل ارسال پرازیت برج میلاد گرفته شده است.



عکس های ۵، ۶ و ۷ قدیمی ترین و اولین روش مبارزه با پرازیت را نشان می دهد. این روش در چند سال گذشته کاربرد زیادی داشت و اکنون نیز در مناطقی که شدت پرازیت در آنها نسبتاً کمتر و ضعیفتر است کارائی دارد.



عکس شماره ۱۰ و ۱۱ در این روش با قرار دادن ۳ عدد آهنربای بلندگویی پراید یا هر بلندگویی سوخته دیگری در زیر هر پایه دیش می توان به جنگ امواج مزاحم رفت.





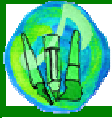
فیلتر شکنها

[http://prxydiot.co.cc /](http://prxydiot.co.cc/)
[http://proxymatrix.co.cc /](http://proxymatrix.co.cc/)
[http://freewebsurfing.co.cc /](http://freewebsurfing.co.cc/)
[http://onlinebypass.co.cc /](http://onlinebypass.co.cc/)
[http://timeforbreak.co.cc /](http://timeforbreak.co.cc/)
[http://surfunlock.co.cc /](http://surfunlock.co.cc/)
[http://topbrowse.co.cc /](http://topbrowse.co.cc/)
[http://69proxies.co.cc /](http://69proxies.co.cc/)
[http://anonym-browsing.co.cc /](http://anonym-browsing.co.cc/)
<http://anonymousproxyservers.info>
[http://prxyhookup.co.cc /](http://prxyhookup.co.cc/)
[http://japanese-gal.co.cc /](http://japanese-gal.co.cc/)
[http://touchwithhand.co.cc /](http://touchwithhand.co.cc/)
[http://narutoproxy.co.cc /](http://narutoproxy.co.cc/)
[http://unblockmylife.co.cc /](http://unblockmylife.co.cc/)
[http://browsesecurely.co.cc /](http://browsesecurely.co.cc/)
<http://25khordad.pass.as/index.php>
<http://kuedonat.info/>
<http://www.good3.co.tv>
<http://www.hoom7.co.tv>
<http://www.panel7.co.tv>
[http://everythingtoshare.com /](http://everythingtoshare.com/)
[http://drreheb.110mb.com /](http://drreheb.110mb.com/)
[http://www.alclick.co.cc /](http://www.alclick.co.cc/)
[http://austinpayday.info /](http://austinpayday.info/)
[http://skipclass.co.cc /](http://skipclass.co.cc/)
[http://notmyip.co.cc /](http://notmyip.co.cc/)
<http://hideipfree.com/>

در ایران از طریق این فیلتر شکنها می توانید وب سایت های مهم فارسی را مشاهده کنید

<http://jonbesh.sabzaneh.com/>
<http://mobarez.sytes.net/>
<http://azadi.sabzaneh.com/>
<http://sabz.sytes.net/>
<http://freedom.sabzaneh.com/>
<http://zندان.sytes.net/>
<http://bidadgaran.sytes.net/>

[/http://earnthat.info](http://earnthat.info)
[/http://pohide.com](http://pohide.com)
[/http://freestealthsurf.info](http://freestealthsurf.info)
[/http://twitterproxy.in](http://twitterproxy.in)
[/http://investingpro.totalh.com](http://investingpro.totalh.com)
<http://jutjut.com/index.php>
[/http://fropro.totalh.com](http://fropro.totalh.com)
[/http://krbscholieren.com](http://krbscholieren.com)
[/http://moneysports.info](http://moneysports.info)
<http://oolu.info>
<http://keepprivate.info/>
<http://kuvia.eu>
<http://aboutthere.info/>
<http://proxy.peoplesproxy.com>
<http://www.iclear.in/>
<http://www.newhere.info/>
<http://www.justmany.info/>
<http://www.ricr.com>
<http://spystatus.net/>
<http://safefactor.info/>
[http://safestweb.info /](http://safestweb.info/)
[http://helpline1.co.cc /](http://helpline1.co.cc/)
[http://full.net.pl /](http://full.net.pl/)
<http://meni.info>
[http://gige.info /](http://gige.info/)
[http://crazyblocker.info /](http://crazyblocker.info/)
[http://fastbrowse.co.cc /](http://fastbrowse.co.cc/)
[http://justhidethis.info /](http://justhidethis.info/)
[http://cant-find-me.com /](http://cant-find-me.com/)
[http://mymusicparty.info /](http://mymusicparty.info/)
[http://newunblock.co.cc /](http://newunblock.co.cc/)
[http://freshproxies.co.cc /](http://freshproxies.co.cc/)
[http://www.dankstank.info /](http://www.dankstank.info/)
[http://visitanonymous.co.cc /](http://visitanonymous.co.cc/)
[http://www.privacynow.co.cc /](http://www.privacynow.co.cc/)
[http://www.premiumhide.co.cc /](http://www.premiumhide.co.cc/)
[http://www.speedyunblock.co.cc /](http://www.speedyunblock.co.cc/)
[http://www.freestealthsurf.co.cc /](http://www.freestealthsurf.co.cc/)
[http://www.alclick.co.cc /](http://www.alclick.co.cc/)
[http://proxypod.co.cc /](http://proxypod.co.cc/)
[http://666prxy.co.cc /](http://666prxy.co.cc/)
[http://proxiessurf.co.cc /](http://proxiessurf.co.cc/)
[http://pagethem.co.cc /](http://pagethem.co.cc/)
[http://dtunn3l.co.cc /](http://dtunn3l.co.cc/)
[http://speed-in.co.cc /](http://speed-in.co.cc/)
[http://webswift.co.cc /](http://webswift.co.cc/)



آهنگ جدید شجریان برای جنبش سبز

هوشنگ ابتهاج: ای آزادی! از ره خون می آیی، اما می آیی!

آهنگ جدید استاد محمدرضا شجریان با آهنگی از کیوان ساکت و شعر زیبای هوشنگ ابتهاج به نام "سرود آزادی" به جنبش سبز تقدیم شد.
متن شعر هوشنگ ابتهاج «ره. الف سایه»:

ای شادی. آزادی!
روزی که تو باز آیی
با این دل غم پرورد
من با تو چه خواهم کرد؟
غم هامان سنگین است
دل هامان خونین است
از سر تا پامان خون می بارد
ما سر تا پا زخمی
ما سر تا پا خونین
ما سر تا پا دردم

ما این دل عاشق رادر راه تو آماج بلا کردیم
می گفتم: روزی که تو باز آیی

من قلب جوانم را چون پرچم پیروزی بر خواهم داشت
وین بیرق خونین را بر بام بلند تو خواهم افراشتمی

گفتم: روزی که تو باز آیی
این خون شکوفان را چون دسته گل سرخی در پای تو خواهم ریخت
وین حلقه ی بازو رادر گردن مغرور تو خواهم آویخت
ای آزادی!

بنگر! آزادی!

این فرش که در پای تو گسترده ست
از خون است

این حلقه ی گل خون است

گل خون است... ای آزادی!

از ره خون می آیی

اما می آیی و من در دل می لرزم:

این چیست که در دست تو پنهان است؟

این چیست که در پای تو پیچیده ست؟

ای آزادی! آیا با زنجیر می آیی؟ ...

پرتو نوری علا

پنج سبز

هاشور خورده گونه هام، از خراش،
از خط چشم و ریمل، در اشک گاز،
پرتاب می کنم هرچه سنگ و آجر
بر سر حرامی اسلحه پوش.
زیر گلویم لوله می شود
گلولة

گره کور، روسری

می ترانم اش با چنگ

با ناخن های سبز شکسته.

در سکوت آینه

لبم به خنده می گشاید

برجسته تر می شوند

هاشور گونه ها؛

زار می زنم، جر می دهم

روپوش خاکی را از تنم

تکمه هاش، ساچمه؛

می شکنند سکوت آینه را

رگبار سرب.

از پیکرم

تنها سینه بند و شلوار چین - بازمانده ست

مابقی همه زخمی است در آینه.



I
تا آماده کنم فردا را
فرومی آیم از خیال برج و بارو
یک پله در میان، دوتا یکی
در نیتم به تور سراب
به زمین نخورم با سر،
سر نخورد به سنگ.
نه، هر تور الوانی
صیدی نخواهد داشت
اسکله ها پُراند از جیغ مرغان دریایی
تا پاره پاره شوند تو را
و هیچ صیادی را صیدی نباشد.
اصلن فردا را تو آماده کن
فقط مثل همیشه دو قدم، عقب نمان!
دست، دست کنی، از دست رفت.
عقل ات را پای فردات بریز
این الوقت هابی، آماده تور شدن اند
فقط دست به آن ها زن!
سنگ می شوی.

III

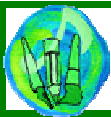
متر سنام!
مگو گزلیکی شود پُر گردن
پا بیرون گذاشتن از...
پاره پاره کنم گلیم
تا پایم را پس نکشد
از فراسوی خود رفتن.
لبریز شعر، صاعقه می شوم
تا گر بگیرد تلاقی ی کلمه و ابر
و گفته شود این همه شعر نگفته
و شعر شود، باران
زنده کند نام خفته گان
با گلبافته ها.

IV

عکس ها، ردیف می شوند
بر صفحه کامپیوتر
آشنای جوانی، آن سوی آب ها
دست می کشم بر گلبرگ ها
صورت های جوان
پیکر های بی جان؛
ربوده می شوم
ریپ می شوم
پهلویم را می شکافد نیش چاقو
گلولة بر قلم سنگینی می کند
وای ... سوختم.
می سوزم
می سوزم
می سوزم ... روزی هزار بار.

V

نام ها پُر می کشند
می باشد خاکستر پُر
بر گل ها.
برای زنده نمردن
بهانه می تراشم
می تراشم مداد
برای کاغذ سفید
سیاه نمی شود اما کاغذ
کیوتر می شود.
کیوتر شکسته بال
بهانه ی گریستن.



جگرمان سوخت از نگاه ندا مهران کرداریان

پدر دوباره به عکس نگریست
بر جوشش خون ز صورت ندا

سیل گونه چشمش دوباره گریست
بر قلب در خون تنیده ندا

مادر به زمین کوفت مشت محکمی
در جای خالی ز تبسم ندا

خلقی همه ماتم به دل برند
تا اوج پر کشیدن و پرواز ندا

باشد به راه آزادی وطن
نام صد کوچه و برزن به نام ندا

نفرین و شرم و لعن این زمان
بر دشمنان هزاران جوان بسان ندا

اکنون شنو به جان این ندا هموطن
باز ننشینیم تا نگیریم انتقام ندا

از مجموعه در دست انتشار "عکاس دوره گرد" حامد رحمتی

جنگ تمام شد
جنگ تمام شد

این آخرین خبری بود
که از رادیو شنیدیم

ما
با لباس های خاکی
به خانه برگشتیم.

کسی منتظر نبود
کسی سلام نکرد
کسی در را باز نکرد!؟

بهار سبز بیژن باران

بهار با ما باش!
از بام سبز، از در درآمدی
با حجم شکوفه های سفید
با رایحه ی امید-
کفش سرخ لاله بیا.

ای دختر خورموج
با سورمه ی سیاه 2 چشم دورنگر،
پیشانی بلند هوش
بر قامت آلاچیق غرق گل
جدا ز کشتی سندباد بحری-
افسانه های 1001 شب دراز و دور.

ترا دیدم خرامان بر فرش آبی خلیج
خوانا به خط نور
رخنه به خاطر اتم کنی.
دور شوی در افق، در موج خورشید عصر
در هاله ی زر و سیم انفجار قلب غروب
پنهان شوی در پشت نخلهای ساحلی غرور.

ای بهار! گلهای تو بسوی نور باز شوند.
در طراوت شب، نمور و خمار
کف دست نسیم بر کمانه های کمر
انگشت جویا ز چاه کور
سوی قنات تار و نمور.
در مخمل هلو، در چاک شیب شوق
بر غنچه ی خجول خون
بر خورد و خال، خماری خوش
با لرز مرز درز
آغاز هست و نیست
آنجا که من و تو به او منجر شود
با ورود گریه و ناز
با جدایی از تو، در نهایت از ما
او بزرگ و برنا
از ما جدا
در فلات و خلیج
در جستن تاریخ و عدالت
بر صفحه امروز، پاهای کوچک دیروز
رو سوی فرداها
دور شود از ما

ای مادر زیبا
ای پیوند خیال، خون و خانواده
ای خیس، خوشی، خنیا
چه خرامان بر دریا
دور شدی ز ساحل خرما
بسوی نور،
در حزن نغمه چگور،
در ابدیت گوی گردان گنج
روزی برنگ زر، روزی برنگ سیم

من با خاطرات ویران
بر خط ساحلی؛
بر سرم، سفید مرغ طوفان..

